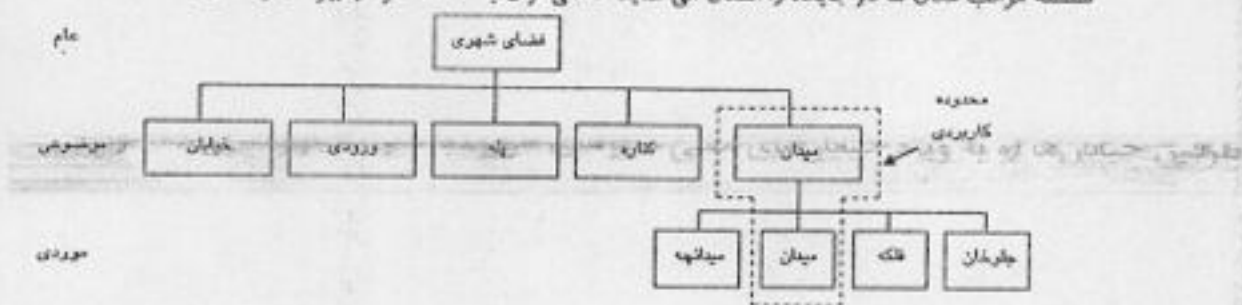


از معنای خود جایگاه فراگیرنده را اشغال کند. ولی این امر در شرایطی امکان پذیر است که واژه مذکور از چند معنی متفاوت برخوردار باشد. بدین ترتیب ممکن است این واژه در یکی از معنای خود جایگاه فراگیرنده را اشغال کند و معنی دیگر آن در شمول معنایی اولی باشد. برای مثال واژه میدان را برای انواع گره ها، (فلکه، میدان، میدانچه، جلوخان و ...) در تقابل با واژه خیابان استفاده می کنیم تا انواع فعالیت های ایستا در مقابل فعالیت های پویا معرفی کنیم. ولی از طرف دیگر بر تفاوت گذاری میان واژه های هم خانواده مورد شمول آن نیز، یعنی فلکه، میدان، میدانچه، جلوخان و ... به علت عدم وجود واژه ای مناسب، دوباره از واژه میدان استفاده می کنیم. بدین ترتیب واژه میدان در طبقه بندی سلسله مراتب مکان ها دو جایگاه را اشغال می نماید که می توان به کمک نمودار زیر آن را نشان داد.



شهر مجموعه‌ای فرهنگی/کالبدی است که براساس نیازها، فعالیت‌ها و رفتارهای ساکنین آن شکل گرفته است. انسانها بسته به نیازهای فردی یا گروهی خود فعالیت کرده و الگوهای رفتاری خاص خود را عرضه می‌کنند. شهر و فضاهای مختلف آن بستر یا ظرفی هستند برای اینگونه اتفاقات. بالنتیج فضاها و خصوصیات آنها وابستگی شدیدی به نحوه فعالیت و الگوهای رفتاری استفاده کنندگان آنها دارند. البته این بدان معنی نیست که این رابطه یکطرفه است همانطور که فضاها از یک سو، آئینه تمام نمای فعالیت‌ها و الگوهای رفتاری یک جامعه می‌باشند. از سوی دیگر فضاها بر فعالیت‌ها و رفتارهای ساکنین تأثیر شدیدی می‌گذارند.

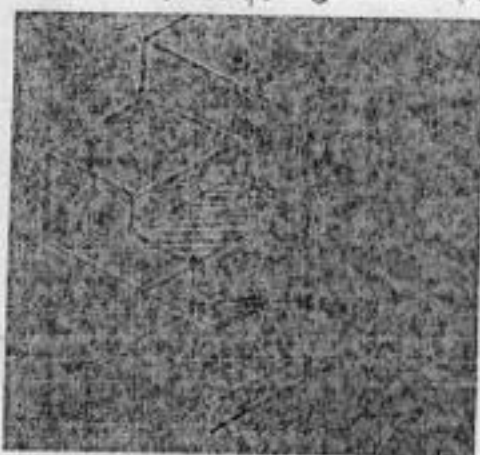
شاید بتوان ادعا کرد که میزان سازگاری فضا یا کالبد با فعالیت‌ها و رفتارهای جاری در آن معیار مهمی برای سنجش میزان سلامت، توانایی و هماهنگی یک جامعه می‌باشد. به بهائی دیگر جامعه‌ای که نتواند بستر مناسبی را برای فعالیت و رفتارهای اعضای خود فراهم آورد، نمی‌تواند ادعای دارا بودن غنای فرهنگی نماید. هر رفتاری که توسط انسان صورت می‌گیرد اساساً متکی به فرهنگ است و فرهنگ به عنوان مجموعه دستاوردهای معنوی و مادی یک جامعه (شامل ارزش‌ها، سنت‌ها، آداب و رسوم، سطح دانش و فن‌آوری و ... می‌باشد) بر معماری و فضاهای شهری تأثیر می‌گذارد به واقع آنها، تبلور فیزیکی این ذهنیات هستند. پس چگونه می‌توان با مشاهده عدم توانایی در تطبیق و ایجاد ارتباطی هماهنگ میان ذهن و عین، میان فعالیت، رفتار و کالبد ادعای غنای فرهنگی داشت؟

جامعه شکوفا، توانمند و سالم نیاز به فضاهایی دارد که نه فقط در جهت آسایش و رفاه افراد و گروه‌ها عمل نموده، بلکه رفتارهای مطلوب را تشویق و رفتارهای ناشایست را از خود دور کند.

۸-۱- فضاهای عمومی و خصوصی

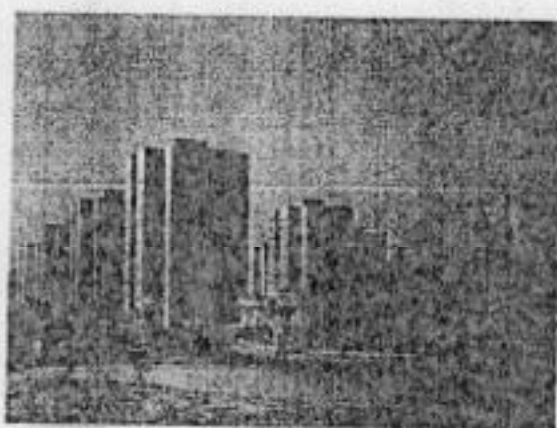
فضاها شامل طیف گسترده‌ای از انواع فضاهای عمومی تا خصوصی می‌باشند. به عبارت دیگر هر فعالیت و رفتار، حریم و قلمروی خاص خود را داراست. و متقابلاً هر فضا نیز دارای حریم و حرمت خود می‌باشد.

نیازها چه مادی، چه روحی و روانی، بسته به خصوصیات خود در فضایی خصوصی و خلوت، یا عمومی و گروهی برآورده می‌گردند. این فضاها در فرهنگ ما دارای سلسله‌مراتب خاص خود می‌باشند. به بیانی ساده می‌توان فضاهای موجود در شهر را به لحاظ نحوه استفاده از آنها به سه دسته کلی تقسیم‌بندی نمود:



تصویر (۶۳). فضاهای خصوصی

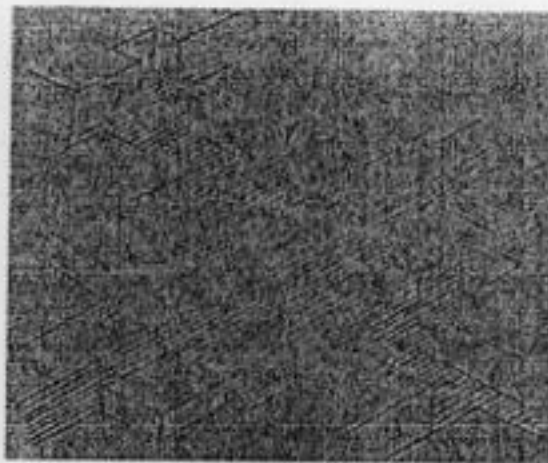
- فضاهای خصوصی: آن بخش از فضاهای شهر که به صورت خصوصی توسط اشخاص تحت تصرف یا تعلق قرار گرفته و مورد استفاده قرار می‌گیرد. فضاهایی چون: خانه‌های مسکونی، حیاطها و باغ‌های خصوصی از این جمله‌اند.
- فضاهای نیمه خصوصی / نیمه عمومی: آن دسته از فضاهای موجود در شهر که به علت محدودیت در هدف و کاربری آن توسط گروهی خاص از افراد مورد استفاده قرار می‌گیرد. فضاهایی چون: مجتمع‌های مسکونی و محوطه‌های آنان ورزشگاهها و نمایشگاهها.



تصویر (۶۴). فضاهای نیمه خصوصی / نیمه عمومی

- فضاهای عمومی: آن دسته از فضاها می‌باشند که دعووم شهروندان بدون نیاز به کنترل و... حق ورود و حضور در آنان را دارند. فضاهایی چون خیابان‌ها، پارک‌ها، میادین، بازارها و مساجد. این دسته از فضاها به واسطه مقیاس عملکردی و همچنین طیف متنوع و گسترده مخاطبین خود دارای بیشترین سهم در حیات جمعی شهروندان می‌باشند. از اینرو ارتقاء کیفی این دسته از فضاها بیش از سایر انواع فضاها موجب ایجاد جامعه شهری سالم و شکوفا خواهد شد.
- به عبارت دیگر فضاهای عمومی، فضاهایی هستند که ما با غریبه‌ها شریک می‌شویم، مردمی که اقوام یا دوستان یا همکاران ما نیستند. آنها فضایی برای فعالیت‌های سیاسی، اعمال مذهبی، تجارت، بازی و... هستند، فضایی برای همزیستی با صلح و

بر خوردهای غیرشخصی. شخصیت فضای عمومی، زندگی عمومی، فرهنگ شهر و زندگی روزمره ما را نشان داده و تنظیم می‌کند. (والسر ۱۹۸۶)



تصویر (۶۵) فضاهای عمومی

به عبارت دیگر تمامی بخشهای بافت شهری که عموم به آن دسترسی فیزیکی دارند از میدان، خیابان و پارک یک شهر تا نمای بناهایی که آنها را تعریف و محدود می‌کنند، جزء فضاهای عمومی شهر محسوب می‌شوند. (تیبالدز ۱۹۹۲)

همچنین آن بخش از فضاهای خصوصی هم که از فضاهای عمومی قابل رؤیت می‌باشند به نوعی بخشی از فضای عمومی به حساب می‌آیند.

لازم به ذکر است که شهروندان در انجام اعمالشان در فضاهای عمومی آزادی مطلق نداشته و تحت تأثیر هنجارها و قوانین جامعه می‌باشند.

فضاهای عمومی و نیمه عمومی - نیمه خصوصی در شهر زمینه مشارکت مردم را فراهم آورده و آنها را با هم مرتبط می‌سازد. "مانفورد" به همبستگی اجتماعی و ارتباطات متقابل چهره به چهره، تحرک فکر و اندیشه و اهمیت زیباشناختی فضاهای شهری تأکید دارد و ارتباطات یک جانبه و خود محوری‌های سودجویانه را نفی می‌کند. او معتقد است که طراحی شهری قرین بازسازی تمدن است و باید امکان همزیستی و مشارکت را برای زندگی جمعی پدید آورد. بر این اساس، با توجه بیش از حد به فضاهای خصوصی مخالف است، زیرا در آن صورت ارزشهای اجتماعی نادیده گرفته می‌شود و نهایتاً انسان شهرنشین هر چه بیشتر از گذشته منزوی شده و زندگی جمعی در فضاهای شهری کمرنگ می‌شود.

نهایتاً لازم به ذکر است که خصوصی و عمومی بودن، همانگونه که به نحوه استفاده از فضا برمی‌گردد، از نظر مسائل حقوقی نیز باید مدنظر قرار گیرد. معنی نحوه مالکیت فضا نیز در تعریف خصوصی یا عمومی بودن آن نقش بسزایی دارد. عده‌ای از فضاهای موجود در شهر دارای مالک خصوصی هستند. این گروه خواه ناخواه از بحث فضاهای عمومی شهر خارج می‌شوند، زیرا نحوه استفاده از آنها نیز صرفاً خصوصی است. دسته دیگری از فضاها دارای مالکیت عمومی می‌باشند. این فضاها قابلیت آن را دارند که جزء انواع فضاهای عمومی قرار گیرند. بسته به نحوه استفاده، فضاهای اخیر بر روی طیف نیمه خصوصی تا نیمه عمومی حرکت می‌کنند و الزامی وجود ندارد که تمامی فضاهای دارای مالکیت عمومی از یک درجه عمومی بودن در سلسله مراتب حریم‌های شهری برخوردار باشند.

۸-۲- فضاهای باز و بسته

فعالیت‌های جاری در شهر بسیار متنوع‌اند. به همان نسبت نیز بستر آنها از تنوع زیادی برخوردار است. هر فعالیت و رفتار با مجموعه‌ای از آنها، یا در فضایی باز صورت می‌پذیرد یا در محدوده‌ای سرپوشیده که اصطلاحاً فضای بسته خوانده می‌شود.

به مرور زمان که درک پدیده‌های مربوط به فضا گسترش یافت اصطلاحات به کار برده شده در مورد فضا دقیق‌تر و علمی‌تر شدند. واژه‌هایی از قبیل: فضای آزاد (Free space)، فضای خالی (Voide space)، فضای جدا (Seperated space)، فضای باز (Open space)، فضای کاشته شده (Planted space)، فضای منفی (Negative space) مطرح بوده‌اند. ولی در واقع این تنوع اصطلاحات به سیر تحول در نحوه نگرش طراحان مربوط می‌شود که نهایتاً به اصطلاح فضای شهری منجر شده است.

این اصطلاحات در دراز مدت فضاهای بسته و فضای باز را به یکدیگر پیوسته می‌کند. همچنین، فضای پر و فضای مثبت نیز شامدی برای این ادعا می‌باشند.



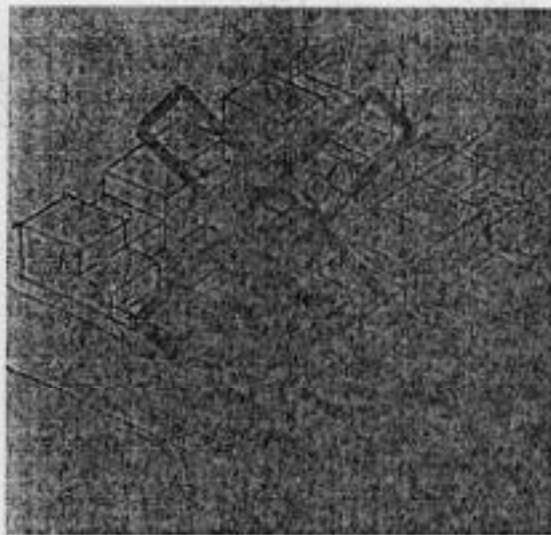
تصویر (۶۶) فضاهای خالی، مثبت یا منفی؟

در اینجا آنچه که بیش از هر موضوع دیگری قابل اهمیت می‌باشد اینست که فضا نیز به اندازه توده ساختمانی نیروی سازمان دهنده مهمی در شهر دارد و نباید آن را محدودهای به جا مانده از ساخت و ساز پناها دانست. زیرا بخش مهمی از اعمال و فعالیت‌های انسانی در این فضاها اتفاق می‌افتد.

در میان انواع فضاهای باز و بسته عمومی، فضاهای باز عمومی، دارای اهمیت ویژه‌ای از دیدگاه حیات جمعی شهروندان هستند. در حالیکه فضاهای بسته عمومی، دارای انضباط یا به عبارت بهتر محدودیت‌های خاصی به لحاظ زمانی و اندازه و... برای پذیرش شهروندان می‌باشند، فضاهای باز عمومی در همه وقت بیشترین امکانات بالفعل و بالقوه را برای حضور شهروندان دارا می‌باشند.

فضای باز عمومی امکان انگیزش و انتخاب آزاد میان رفتارها، حرکات و اکتشافات بصری را برای تعداد معنی‌داری از مردم شهر فراهم می‌آورد. (Lynch, 1972: 108) به عبارتی فضای منطقی است که خود را به راحتی با گوناگونی رفتارها تطبیق می‌دهد و زمینه‌ای خنثی ولی آتفاء کننده را برای کنش‌های خود انگیخته فراهم می‌آورد. (Lynch, 1972: 110) موفقیت فضاهای باز عمومی تا حد زیادی در گرو رابطه میان فضای پر و خالی آن است. به واقع ماهیت این فضاها تحت‌تأثیر نوع و موقعیت بدنه‌ها، مقیاس، عناصر موجود در فضا، کف و گشایش فضا و... است. لذا زمانی که رابطه متقابل بین فضای پر و خالی شهری کامل و قابل درک باشد، سازمان فضایی بصورت موفقیت‌آمیزی عمل خواهد کرد. اگر اجزاء بتوانند در یک سازمان فضایی نظام یابند، در این صورت شخصیت محیط را به خود خواهند گرفت.

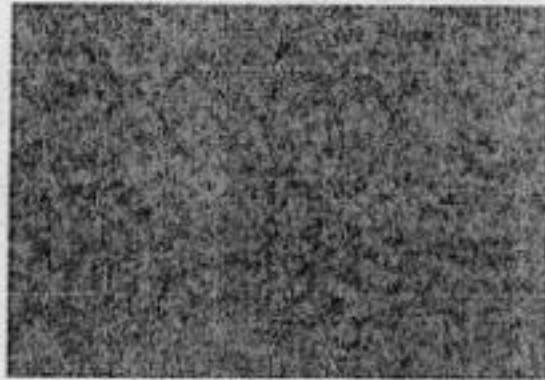
چنانچه تعادل فضای پر نسبت به فضاهای خالی ضعیف باشد اجزاء پراکنده شده و خارج از چهارچوب فرار گرفته، در نتیجه فضا لوٹ می‌شود. فضاهای پر شهری می‌بایست به مدد طراحی با هم بگونه‌ای ترکیب شوند که فضاهای خالی را بعنوان یک شبکه سه‌بعدی از فضاهای مرتبط به هم بوجود آورند.



تصویر (۶۷) نقش کلیه فضای بسته پر باز

پادآوری این نکته در اینجا ضروری به نظر می‌رسد که امروزه اکثر مجموعه‌های شهری بی‌شکل و ضد فضا هستند و در آنها فضاهای غیرقابل استفاده، رها شده و فراموش شده به چشم می‌خورد که فضاهای گمشده نامیده می‌شوند (Trancik, 1986: 3) مانند فضاهای رها شده حاشیه بزرگراهها، محوطه‌های باز بی‌شکل و بی‌کران بین برجها و بلوک‌های مسکونی. این فضاها عملاً جزو فضاهای عمومی به حساب آورده نشده‌اند و فضاهای گمشده یا پلانکلیف در شهر می‌باشند. در حالیکه که کشف و احیاء آنها می‌تواند فرصتهایی برای توسعه فضاهای عمومی شهر بوجود آورد.

فضاهای شهری بخشی از فضاهای باز و عمومی شهرها هستند که به نوعی تبلور ماهیت زندگی جمعی می‌باشند. یعنی جایی که شهروندان در آن حضور دارند. فضای شهری صحنه‌ای است که داستان زندگی جمعی در آن گشوده می‌شود. (کار ۱۹۹۲) فضایی است که به همه مردم اجازه می‌دهد که به آن دسترسی داشته باشند و در آن فعالیت کنند. در این فضا فرصت آن وجود دارد که برخی مرزهای اجتماعی شکسته شوند و برخوردهای از پیش تدوین نیافته به وقوع بپیوندند و افراد در یک محیط اجتماعی جدید با هم اختلاط یابند. (Lynch, 1972: 109) این فضا می‌بایستی توسط یک نهاد عمومی اداره شود تا در جهت منافع عمومی و جامعه مدنی اداره و نیازهای آن تأمین شود.



تصویر (۶۸): فضاهای فاقد تعامل اجتماعی. فضای شهری نیست

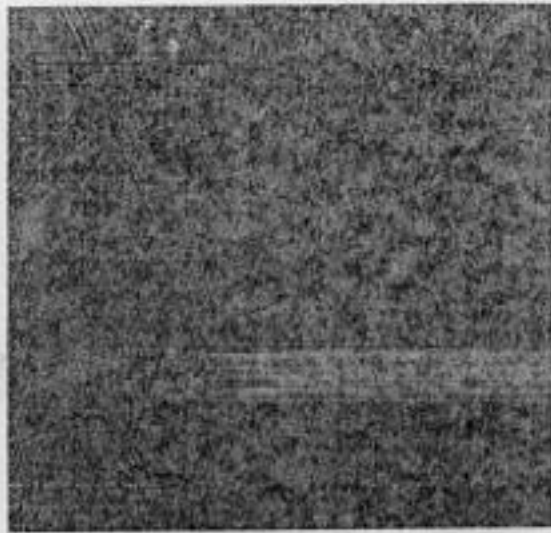
بنابراین شرط اساسی برای اینکه یک فضای عمومی، فضای شهری تلقی شود اینست که در آن تعامل و تقابل اجتماعی صورت گیرد. پس آندسته از نرم فضاها و سخت فضاها که بستر تعامل اجتماعی نیستند فضای شهری نامیده نمی‌شوند. منظور از نرم فضاها، آندسته از فضاهایی هستند که محیط و عناصر طبیعی در شکل دادن به آنها غلبه دارند. مانند باشها و پارکها و سخت فضاها، آندسته از فضاهایی هستند که دارای بدنه‌های کاملاً مصنوعی می‌باشند و با ساختمان محصور شده‌اند. بیان این ویژگی (تعامل و تقابل اجتماعی در فضای شهری) برای برخی از متخصصین طراحی شهری در ایران این توهم را ایجاد کرده است که در حال حاضر ما فضای شهری نداریم و فضاهای عمومی ما فضای شهری نیستند. اما در واقع فضاهای شهری ما هر چند که ضعیف و مقطعی عمل می‌کنند دارای پتانسیلهایی هستند و با شناسایی نقاط قوت و ضعف آنها و تقویت و تشویق زندگی جمعی قابل احیاء می‌باشند.

فضای شهری، مصنوعی است سازمان یافته، آراسته و واجد نظم که به صورت بستری برای فعالیت‌ها و رفتارهای انسانی عمل می‌نماید. انسان جزئی از فضا است و با ارزش‌ها و هنجارهای خود به این فضا معنی می‌بخشد. الگوهای روابط اجتماعی ثابت نیستند و یک فضا با جایگزین شدن رابطه اجتماعی خاص، چهره متفاوتی به خود می‌گیرد.

کاربرد عمومی فضاهای شهری ایجاد آرامش، سرگرمی و محلی برای گردش، فراهم آوردن ارتباط و زمینه معاشرت، و امکان تردد می‌باشد. و از آنجایی که در عین حال هیچ تک‌عملکرد خاصی به آنها مترتب نیست، استعداد پذیرش تمام این کاربریها را با هم یا به صورت گزینشی دارند.

به این ترتیب گزینه‌های متفاوتی برای انتخاب در اختیار فرد قرار داده، به او اجازه می‌دهند در راستای تمایل خویش با تحمل حداقل فشارهای اجتماعی و اقتصادی گام بردارد. (Lynch, 1972: 108) لذا وجود این فضاها برای پیشگیری از درماندگی، افسردگی، گوشه‌گیری و خشونت، بسیار مؤثر و حتی ضروری است. وانگهی این فضاها می‌توانند موقعیتی برای رشد خلاقیت بوجود آورده و محیطی تفریحی و سازنده در یک مجموعه شهری باشند تا زمینه‌ای را فراهم سازند که هر انسانی برای درک موقعیت خود به آن نیاز دارد. چرا که درک انسان را از خودش و محیط پیرامونش بسط می‌دهند. در

این فضاها فرد از طریق درگیر شدن در کنش‌های حساب نشده، با خود و دنیای اطرافش ارتباط مستقیم‌تری برقرار می‌کند. (Lynch, 1972: 109)



تصویر (۶۹) همزیستی توده و فضا

طراحی احجام نیز می‌بایست برای ساختار بخشیدن به فضاهای شهری در نظر گرفته شود تا ساختمان و فضا بطور مؤثر همزیستی داشته باشند. فضای شهری به عنوان گره‌ای از جوامع انسانی و تجمعی از مردم و اشیاء مبادی از عناصر و اجزاء مختلفی تشکیل شده است. به واقع «فضا رابطه میان عناصر بوجود آورنده‌اش می‌باشد»! پس برای تشخیص یک فضای شهری علاوه بر وجود عناصر تشکیل دهنده، باید رابطه میان آنها نیز برای فرد ناظر قابل ادراک باشد و فرد بتواند از رابطه موجود ساختاری در ذهن خود ایجاد نماید. به این ترتیب فضای شهری هدفمند بوده و بستر رویدادهای تعریف شده‌ای خواهد گردید.

زمانی که در خیابانی از یک شهر راه می‌رویم، چگونه شهر برای ما معنا می‌یابد، در حالی که درباره‌ی پیچیدگی آنچه که جلوی چشمان ما می‌بینیم و آنچه که در پس نمای ساختمان‌ها و واری پیچ و تاب خیابان‌ها است فکر می‌کنیم؟ چگونه کلاف سردرگم حکایت‌هایی به هم نافته و رو به هم ایستاده را می‌خوانیم و تفسیر می‌کنیم که این مجموعه از انسان‌ها، اشیا و رویدادها عرضه می‌دارد؟ در این به ظاهر هزارتویی بی‌پایان که می‌رویم، ممکن است درباره‌ی چگونگی دگرگونی در این منظر شهری، بیان‌دهیم. شاید از دگرگونی پیوسته‌ی این چشم‌انداز و یا به عبارتی سیمای شهری، در اطراف ما آگاهی داشته باشیم، آن دگرگونی که علامت سرزندگی اش می‌دانیم. و آموخته‌ایم که بدون جنبش و تحوّل، زندگی نیست.

اگر این تحوّل به گونه‌ی ضروری و اساسی به نظر می‌رسد، چگونه درک اش می‌کنیم و چطور به جامعه‌ی شهری و فضای شهری مرتبط‌اش می‌کنیم؟ چه نوع تحوّل اجتناب‌ناپذیر است و ما می‌خواهیم چه نوع تحوّل‌ی روی دهد؟ اگر تغییراتی هستند که می‌خواهیم صورت پذیرند، چگونه به جریان‌شان می‌اندازیم و به آن‌ها می‌رسیم؟ چگونه با سایرین و تحوّل‌اتی که آن‌ها می‌خواهند، روی دهد، ارتباط می‌یابیم؟ آیا ممکن است، یا مطلوب، که بی‌توجه به تنوع علایق و منافع، و ترجیحات، این پیچیدگی آشکارا بی‌شکل و قالب را شکل بخشیم و تغییر شکل دهیم؟ برای تدوین دستورالعملی تحوّل و به اجرا درآوردن آن، چه می‌کنیم؟ چه نوع روندهایی می‌توانند این محیط شهری را دگرگون سازند؟ ماهیت و زمینه‌ی کاری طراحی محیط مصنوع چیست؟

در این کتاب، در نظر دارم طراحی شهری و فضایی را که به کمک آن شکل می‌یابد را درک کنم همان‌طور که نشان خواهم داد، لازم است تا فضا را به مثابه تجمع افراد و اشیا ببینیم، از نقطه نظرانی متنوع و به هم مرتبط. بحث من این است که با شناخت فرآیند آفرینش آن است که به بهترین شکل این فضا را درک می‌کنیم و این که عوامل سیاسی، اقتصادی و نمادی در یک چنین فرآیندی، برهم‌کنشی تنگاتنگ با یکدیگر دارند. فعالیت میان‌رشته‌ای طراحی شهری، بخش مهمی است در شکل‌گیری آن. برای درک طراحی شهری، باید فضای شهری و فرآیندهای تولیدکننده آن را بشناسیم.

این کتاب می‌کوشد تعریفی از موضوعات شاخص طراحی شهری در پاسخ به سه نیاز به هم مرتبط ارائه دهد. نخست، به ماهیت و حوزه‌ی عمل طراحی شهری که تا حدودی دچار ابهام و عدم قطعیت است بپردازد. ماهیت میان‌رشته‌ای طراحی شهری به روشن نبودن رابطه‌اش با برنامه‌ریزی شهری، معماری و طراحی چشم‌انداز و دیگر زمینه‌هایی که درگیر طراحی و توسعه‌ی فضای شهری اند انجامیده است.

دوم، علاقه به طراحی شهری رشد فزاینده‌ای داشته است. همان‌گونه که در نشریه‌های حرفه‌ای نمود یافته، معماران، معماران چشم‌انداز، و برنامه‌ریزان، روزبه‌روز طراحی شهری را حوزه‌ای مهم‌تر و جالب‌تر برای پیشرفت فردی و حرفه‌ای می‌یابند. علی‌رغم رکود ساخت‌وسازها، طراحی شهری علاقمندان بیشتری یافته است که بخشی از آن ناشی از آگاهی روزافزون از مسایل محیطی و توجه به کیفیت تجربه‌ی شهری است، به ویژه مباحث محیط‌های شهری که به‌خوبی در سطح جامعه مطرح شده‌اند و توجه مردم را به خود جلب کرده‌اند. به‌راه انداختن برنامه‌های جدید فوق‌لیسانس و دکترا در دانشگاه‌ها و مجلات تازه‌ی طراحی شهری، نشان دهنده‌ی این توجه فزاینده‌اند. با این حال مطالب به چاپ رسیده در این باره کمیاب‌اند. برای درک طراحی شهری، نیازی فوری به تحلیل‌ها و بحث‌های بیشتر است.

سوم، که ارتباط تنگاتنگی با موارد پیشین دارد، نیاز به پژوهش در زمینه‌ی طراحی شهری است. طراحی شهری که در مقایسه با دیگر رشته‌های دانشگاهی، زمینه‌ای است عملی و کاربردی، پشتوانه‌ی تحقیقاتی بسنده‌ای به‌همراه نداشته است. به هر حال به عنوان فعالیتی که دوباره مطرح می‌شود، نیاز دارد تا برنامه‌ای پژوهشی براه بیاندازد تا از پشتیبانی نظری ضروری برخوردار شود. هدف از این تحقیق ارزیابی زیربنایی است برای طرح این مباحث و کمک به شناخت و معرفی مواردی که می‌توان درباره‌شان مطالعات تکمیلی انجام داد.

این کار را انجام داده‌ام تا خلاء موجود در شیوه‌های برخورد با طراحی شهری پر شود. مطالب موجود اکثراً بر اساس سنت‌ها و چارچوب‌های فکری معماری نوشته شده‌اند و از این رو به ابعاد فیزیکی محیط مصنوع و چگونگی تغییر آنها علاقمندند. نتیجه بروز عدم تفاهم میان آنها است و کسانی که به ابعاد اجتماعی می‌پردازند یعنی برنامه‌ریزان، جغرافی‌دانان شهری و جامعه‌شناسان شهری و نیز طراحی شهری. قصد ما در این کتاب پرداختن به ابعاد فیزیکی و

نیز اجتماعی فضا، به روشی منسجم است. بنابراین، روی سخن اش با تمام گروه‌هایی است که درگیر رابطه‌ی میان فضا و جامعه‌اند. بی آن‌که ادعا داشته باشیم به شکل جامع با این موضوع برخورد کنیم هدف آنست که اطلاعات و شناختی از توانمندی‌های طراحی و توسعه‌ی فضای شهری ارایه کنیم و فقط امیدواریم که بتوانیم دیدگاه‌ها و بسترهای به هم مرتبطی برای بحث ارایه دهیم.

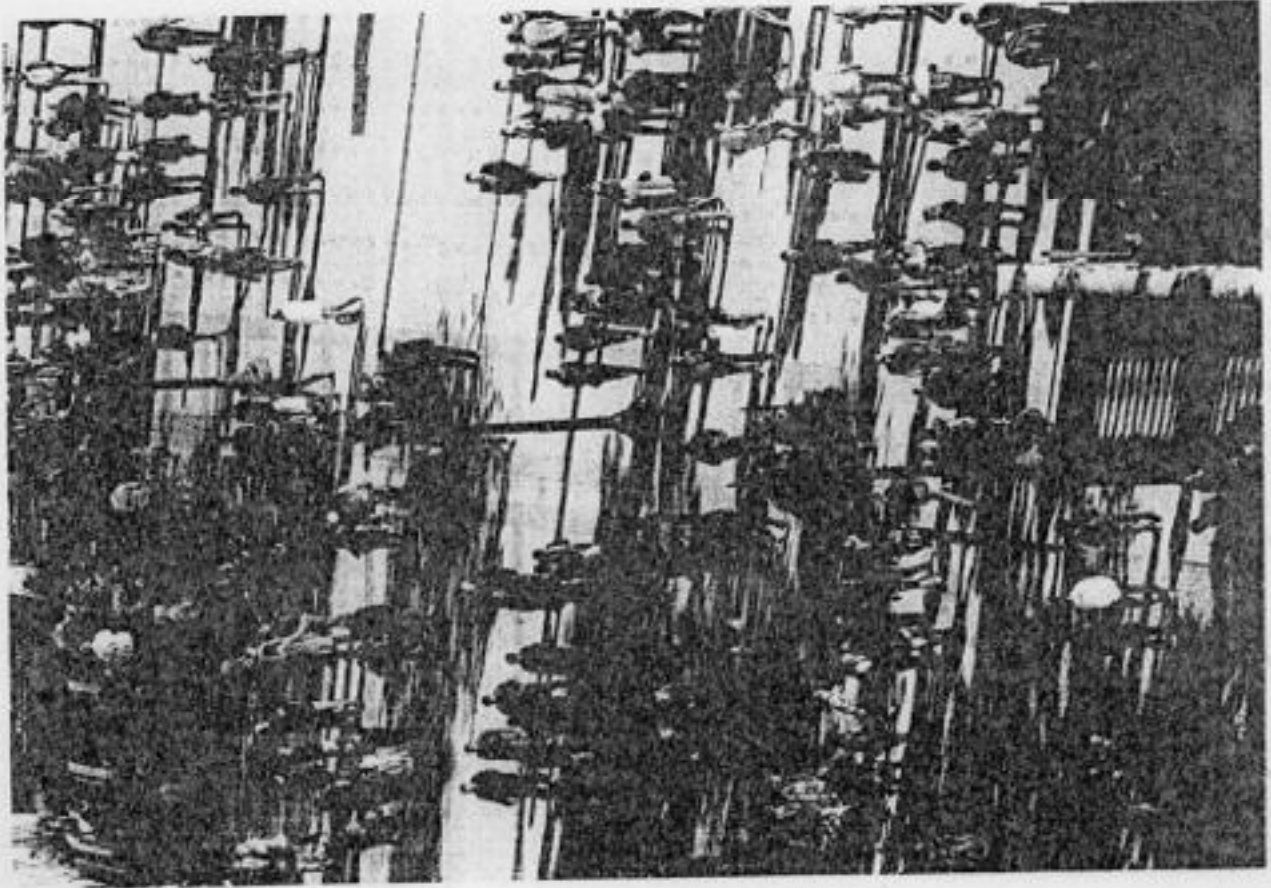
می‌توان به روش‌های متعددی در زمینه‌ی طراحی شهری کتاب نوشت. یک نگرش این است که طراحی شهری را روندی فنی ببینیم که جمع‌آوری کننده‌ی اطلاعات علمی لازم در این فرآیند است. برای مثال در طراحی مناطق شهری مسائلی نظیر، اطلاعات درباره‌ی استانداردهای راه‌ها، ضوابط فضای باز، درختان و گیاهان در محیط شهری، روشنایی، تاسیسات زیربنایی، الگوهای دسترسی، شیوه‌های حمل و نقل، طرح‌های پیاده‌رو و ساختن معابر مورد نیاز است. در یک کتاب طراحی شهری می‌توانستیم این اطلاعات را کنار هم بیاوریم و یا روی هر کدام از این زمینه‌ها متمرکز شویم. این برخورد ارزشمند پدیدآورنده‌ی نوشته‌های بسیاری، در قالب راهنماها و استانداردهای طراحی یا به شکل پژوهش‌ها و تجارب و مهارت‌های مهندسی شده است. با پی‌گیری این شیوه، می‌توان برای برخی معضلات شهری راه‌حل‌هایی عملی جست. اما، نتیجه‌اش این نخواهد بود که به درکی از حوزه‌ی کاری و ماهیت روندی که این دانش فنی در آن به کار گرفته می‌شود برسیم و یا محصول آن را بشناسیم.

رویکرد دیگر، طراحی شهری را روندی خلاق دیدن است. این رویکرد که در نوشته‌های معماری کاربرد گسترده‌ای دارد، مجموعه‌ای از نمونه‌های فضای شهری را با هم می‌آورد، که در آن‌ها طراحی را موفق ارزیابی کرده‌اند و در نهایت به نتیجه‌گیری‌هایی در قالب اصول طراحی می‌رسد، این نگرش که وضع‌کننده‌ی اصول و ضوابط است، چند مزیت دارد، زیرا اساس کارش ثبت و ارایه‌ی بایگانی از مثال‌های خوب، برای طراحی است. انتخاب نمونه‌ها و اصول، بر پایه‌ی جمع دانش و تجربه‌ی نسل‌های پیشین و امروزی است، که بر اساس دانش و تجربه‌ی نویسنده، تعبیر و تفسیر می‌شوند، و برای تعبیر جدید و به کارگیری در شرایط نوین مطرح می‌گردند. توجه این رویکرد به الگوهاست و به یافتن شالوده‌هایی که بتوان بر اساس

آنها گزینه‌های مختلف ارائه داد. یکی از اشکالات این رویکرد این است که نتیجه‌ی کار می‌تواند شخصی و توصیفی باشد، تا تحلیلی و کاوشگرانه. مشکل دیگر رابطه آن با کارهای اجتماعی در چارچوب فضای شهری است. از آنجا که بنا به گرایش‌اش معتقد است، جنبه‌های بسیاری از درک و رفتار آدمی محدود به زمان خاصی نمی‌شوند، نمونه‌ها از سرتاسر تاریخ جمع می‌شوند و بدین ترتیب نمی‌توانند پاسخگوی تغییراتی باشند در رفتار و محیط، که در اجتماع مفهوم می‌یابند و با زمان و مکان تغییر می‌کنند. بنابراین، این توجه‌ی ارائه‌دهنده‌ی طریق، به حمایت شیوه‌ای تحلیلی نیازمند است که درکی بهتر از متنی که ضوابط پیشنهادی برای آن مطرح می‌شوند داشته باشد و همچنین ماهیت روند ساختن و دگرگون شدن فضای شهری را بهتر بشناسد.

گزینه‌ی سوم، که من در این کتاب آن را به کار گرفته‌ام، فضای شهری را فرآیندی اجتماعی - مکانی می‌داند. دریافته‌ام که در این حوزه است که می‌توان ذات و ماهیت طراحی شهری را کشف کرد. از آن جا که ریشه در روندهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دارد و تعدادی از کارگزارانی را کنار هم می‌آورد که رفتار متقابلی با ساختارهای اجتماعی - مکانی دارند، طراحی شهری را می‌توان صرفاً در متن اجتماعی - فضا ساختی‌اش شناخت. از این دید، عناصر فنی، خلاق و اجتماعی طراحی شهری، همگی کنار هم می‌آیند تا ارائه‌دهنده‌ی بینشی به این فرآیند پیچیده و محصول‌های آن باشند.

در تحلیل‌ام از طراحی شهری و فضا، از واژه‌ی «فضای شهری» صرفاً در اشاره به فضای میان ساختمان‌ها، یعنی فضاهای خالی متمایز از توده‌ی اجسام استفاده نکرده‌ام، بلکه این واژه را در معنایی کلی به کار گرفته‌ام که تمام ساختمان‌ها، اشیا و فضاهای محیطی شهری و نیز افراد، رویدادها و روابط میان آن‌ها را در برگیرد. در این تحلیل، تعدادی از مفاهیم بنیادی و کلیدی را مفید یافته‌ام: ضرورت رویکردی فراگیر به طراحی شهری (لینچ، ۱۹۸۱)، فضای شهری را به مثابه فضای منطقه‌ی شهری دیدن و نه فقط مراکز شهر (منشور آتن، ۱۹۳۳، به نقل از سرت، ۱۹۴۴) و پیروی از بسیاری از تاریخ‌دانان معماری، که فضای شهری را در متنی تاریخی می‌دیدند. تحلیل‌هایی از شیوه‌ی برخورد با فضا به مثابه یک کالا، اندیشه‌های فضای اجتماعی و تولید فضا (لُور، ۱۹۹۱)، رابطه‌ی میان تحلیل اقتصاد سیاسی و دیدن مسایل از



ویژگی های شهر خوب
 برای ارائه تحلیلی کلی از فضاهای عمومی، معماری برای ارزیابی به کار گرفته شده است. این معیار، کیفیت فضاهای شهری از دید کاربر، پیمانه‌ای است که با سرعت ۵ کیلومتر در ساعت، راه می‌رود. ویژگی‌های شهر خوب، در زیر تعریف شده است.

- شهر خوب: شهر قدم زمین و مکت کردن
- فضای شایسته، منجمد و به دور از ازدحام، که بتوان در آن قدم زد؛
- دارای شرایط اقلیمی مناسب، آفتاب و سایه متناسب با فصل و حفاظت در مقابل باد؛
- جاذبه‌های زیبا و خوشایند در سطح خیابان برای برسه زنی در کنار آن و تماشا کردن؛
- تأمین شرایط مناسب برای ناتوان جسمی و افراد با کالسکهٔ چرخه‌ای؛
- ساختار شفاف و واضح در شبکهٔ حرکت پیاده که دارای خوانایی و جهت‌یابی آسان باشد؛
- شبکه پیاده‌ای که مقصدهای مهم را به یکدیگر متصل کند؛
- قابلیت تفریح و گردش درون شهر؛
- فراهم‌کن مناسب پیاده‌روی با اشیاءهای کم در شبکهٔ حرکت پیاده؛
- زمان توقف کم و کوتاه در تقاطع‌ها و چهارراه‌ها؛
- بیسکلت‌های فروانی که در جاهای مناسب قرار داده شده باشند؛
- مکان‌های فروانی که بتوان روی آنها نشست، مثل بنده و کسار گلخانه‌ها؛
- کافه‌ها و رستوران‌هایی که در فضای بازار و در مکان‌هایی مناسب قرار گرفته‌اند؛
- نورپردازی زیبا و مؤثر.

فعالیت‌های انحصاری اثرات شهری

مجموعه فعالیت‌هایی که به هنگام وجود شرایط اقتصادی، جمعیت و دولت گذرگی، محیط پیرامون به وقوع می‌پیوندد. این گونه فعالیت‌ها نسبت به کیفیت حساس‌اند و آنها در شرایطی رخ می‌دهند که کیفیت محیطی مطلوب باشد.

ویژگی بارز شهر خوب، وجود فعالیت‌های انحصاری سبز است. مردمی که به چنین شهری می‌آیند مکان‌ها را جذاب می‌پسند و مدت طولانی‌تری در آنها اقامت می‌کنند. یک شهر بی نظیر و جذاب را می‌توان از سوزان استفاده مردم شهر از فضاهای عمومی برای گذران اوقات فراغت شناخت.

فعالیت‌های اجتماعی

این فعالیت‌ها زمانی اتفاق می‌افتند که مردم در فضاهای عمومی تردد کنند سوار روی همچون انسانا گردن، گشت و شنود، تفریح مواجهه با دیگران و مشارکت فعال یا غیر فعال را شامل می‌شود. یک شهر خوب، طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های اختیاری را عرضه می‌کند و از آنها که مردم سوار روی ترشهرها حاضر هستند، افراد زیادی برای تجربه کردن، تماشا کردن و صحبت کردن وجود دارند. در نتیجه شهر، به شهری سرزنده و فوق‌العاده تبدیل می‌شود، شهری برای مردم.



در تراخی شهری با کیفیت، به نقطه فعالیت‌های ضروری (که در شرایط مناسبی انجام می‌گیرند)، بلکه بسیاری از فعالیت‌های تفریحی و اجتماعی مورد علاقه مردم نیز محوت می‌گیرد. با وجود این، این فعالیت‌ها زمانی اتفاق می‌افتند که شرایط مناسب باشد. یعنی شهر

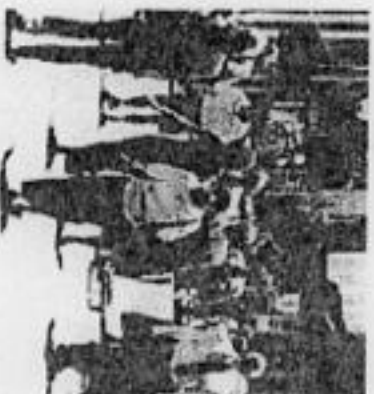
فعالیت‌های با کیفیت خوب و سرزنده‌تر، ارائه دهنده به همین دلیل است که شهر خوب را می‌توان با یک میثمی خوب مقایسه کرد. مردم طولانی‌تر از آنچه واقعاً لازم است در آنها می‌مانند، چرا که از حضور در آنها لذت می‌برند.

سه گونه از فعالیت‌های جایز بیان

فعالیت‌های ضروری
 آنچه که حتماً باید انجام شود

رفتن به مدرسه، انتظار کشیدن برای اتوبوس و رفتن به محل کار، کوتاه آنکه، این نوع فعالیت‌ها بدون توجه به کیفیت محیط کالبدی اتفاق می‌افتند. زیرا مردم ناچار به انجام آنها می‌باشند.

یک شهر خوب برای بسیاری از فعالیت‌های ضروری شرایط مناسبی فراهم می‌آورد و در طی زمان این فعالیت‌ها را حفظ و تقویت می‌کند.



شهر خوب: شهر تبادلات اجتماعی و فرهنگی

- فضای برای فعالیت‌های فرهنگی و تبادلات اجتماعی
- فضایی برای تماشای‌های خلبانی، سیر کلهه موسیقی و فعالیت‌های تجاری کوچک مشابه
- فضاهای عمومی دموکراتیک برای همه

شهر خوب: شهر گنت و شنود، تماشا و تجربه

- سروصدای کم و مزاحمت‌های اندک
- فضاهای عمومی سببمی و خودمیشی
- چشم‌اندازهای زیبا و جزئیات مطلوب و دلپذیر
- جاهای جذاب و تفریحی‌ها و نمایشگاه‌های بر جله

شهر خوب: شهر سرزنده، متنوع و امن برای حرکت و تگابو

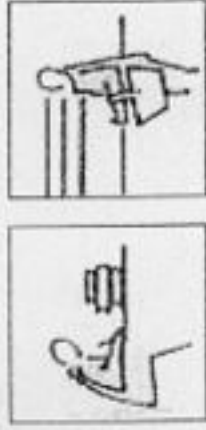
- تنوعی از کاربری‌های روزانه و شبانه
- سکونتگاه‌هایی برای تضمین یک شهر شبانه روزی
- موسسه‌های آموزشی برای تضمین حیات و سرزندگی
- پژوهش‌هایی که به‌مدار ظهورها و تفریح‌های پر شوکه باز باشند
- مکان‌ها و خیابان‌هایی امن، چه در روز و چه در شب

ویژگی‌های شهر خوب

فعالیت‌ها در فضاهای عمومی

بر زیر سه گروه از فعالیت‌های انجام شده در فضاهای عمومی، مردمی می‌شوند. در میان این سه گروه، مشابره از فعالیت‌های لسانی، فعالیت‌های ضروری (necessary activities)، فعالیت‌های اختیاری (optional activities) و فعالیت‌های اجتماعی و اختیاری، در کیفیت‌بخشی به شهر بسیار مهم‌اند.

در تراخی، کیفیت شهری صرفاً می‌تواند فعالیت‌های ضروری را بطلت به عبارتی، مردم به کارهایی می‌پردازند که ناچار به انجام آنها هستند.



۳. بازدید کنندگان تفریحی

افرادی که به خاطر لذتبخش بودن فضاهای عمومی با استفاده از فضاهای عمومی در ارتباط با فرستادن، لذت، ورزش، بازی و دیگر موارد از این فضاها دیدن می کنند.



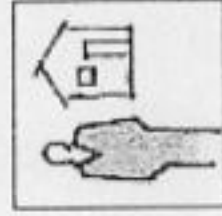
۴. تماشاگران رویدادها و مراسم: مردمی که به دلیل رویدادهای خاص از فضاهای عمومی بازدید می کنند.



اسپاس، بارسلون، پلاسا دل سول (Plaza del Sol)

کدام گروه‌های استفاده کننده از فضاهای عمومی بهره می برند؟

۱. استفاده کننده گان هر روز
مردمی که در آن ناحیه زندگی یا کار می کنند یا از آن فضاها عبور می کنند.



۲. بازدید کنندگان، مشتری ها
مردمی که از فعالیت های آن ناحیه بازدید می کنند.

زندگی در فضاهای عمومی فضای عمومی خوب

کلید ایجاد فضاهای جمعی امن و سرزنده، عبور و مرور و فعالیت پیاده است. ورود به فضای جمعی - در ترکیبهای گوناگون - به شن شنیه رفت و آمد صورت می گیرد. پیاده، با اتوبوس، با قطار یا تراموا، یا اتوبوس یا دوچرخه. در نهایت، هر کس فارغ از شیوه رفت و آمد خود، چون عبور پیاده وارد فضاهای شهری می شود و محیط پیرامون را می پیماید و با چشم تجربه می کند.

رفت و آمد در فضاهای جمعی خوبه عمدتاً با قدم زدن، دوچرخه سواری و محدودیت ورود وسایل نقلیه ممکن می شود. توزیع رفت و آمدها، به کیفیت فضاهای عمومی بستگی دارد. اگر رفت و آمد وسایل نقلیه غالب شود، فضاهای عمومی دیگر برای مردم همچنان آزر و سرزنده نخواهد بود. نمونه های جهانی نشان می دهند که فضاهایی که با عبور پیاده سازگاری نداشته اند، چگونه به فضاهای عمومی غیر جذاب و رها شده تبدیل شده اند.

از طرفی، اگر شرایط خوبی برای عبور فراهم شود، افراد بیشتری پاده روی خواهند کرد و فعالیت های جذاب و تفریحی بسیاری انجام خواهد شد.

فضای عمومی با کیفیت همیشه از این طریق قابل تشخیص است که مردم قدم زدن یا کارهای روزانه شان را راه می کنند تا لختی در آن استراحت کنند و از شهر، فضاهای عمومی و بودن در کنار دیگران لذت ببرند.

شرایط خوب برای قدم زدن و زندگی پیاده، همواره با امکاناتی برای درنگ، توقف و کسب تجربه، کلید ایجاد فضاهای شهری سرزنده و جذاب است.

مقدمه :

طراحی فضاهای شهری مسئله ای است که متخصصین امر در مورد چگونگی انجام آن اتفاق نظر کامل ندارند. مثلاً بعضی بر این عقیده اند که مسئله تنها تهیه پرسپکتیوهای زیبا و تصاویر هنرمندانه از فضاهای شهری است. گروهی دیگر مسئله را عملکردها و بخصوص در درجه اول تامین دسترسی برای وسایل نقلیه و بعد از آن دسترسی برای پیاده ها می دانند. متأسفانه شهرسازی کلاسیک تاکنون نتوانسته است بین نقطه نظرهای مختلف ارتباط برقرار کرده و به یک نظریه (تئوری) منسجم دست یابد. به همین علت است که مهندسين ترافیک همچنان با دید یک بعدی خود به طراحی خیابان ها، جاده ها و اتوبان ها ادامه می دهند و معماران و شهرسازان سنت گرا نیز همچنان اقدام به تهیه پرسپکتیوهای زیبا و مناظر باشکوه از فضاهای شهری می کنند.

در این مطالعه نقطه نظر جدیدی ارائه می شود. به این ترتیب که فضاهای شهری در رابطه با رفتارهای استفاده کنندگان از آن فضاها بررسی می گردد. تا به این نحو طراحی فضاها بتواند مبنا و متعلق قابل دفاع و مستدلی پیدا کند. توضیح مختصری در این مورد موضوع را روشن می کند.

هر فعالیتی که توسط انسان صورت می گیرد اساساً متکی به فرهنگ است. و فرهنگ نتیجه مقررات نامدون (عرف)، عادات، آداب و رسوم، سنت ها، سبک ها و شیوه های متداول زندگی است. معماری و شهرسازی با فضاهایی سر و کار دارند که انواع فعالیت ها در چارچوب های متفاوت در آنها اتفاق می افتد و درحقیقت به این فضاها معنی و مفهوم می دهند. این فعالیت ها تابع خصوصیات فرهنگی جامعه ای است که صاحبان این فعالیت ها بدانها تعلق دارند. این امر در مورد فضاهای شهری بخصوص خیابان ها و میادین به شدت مطرح است.

زیرا وجود یا عدم وجود فعالیت های خاصی در خیابان مشخصاً می تواند دال بر استنباطی باشد که جامعه خاصی در مورد خیابان بطور کلی و عناصر و جزئیات آن بطور خاص دارد. براساس این تعریف است که شخص رابطه فردی و اجتماعی خود را با فضاها و عناصر و اجزاء آن مشخص کرده و به استفاده از آنها می پردازد.

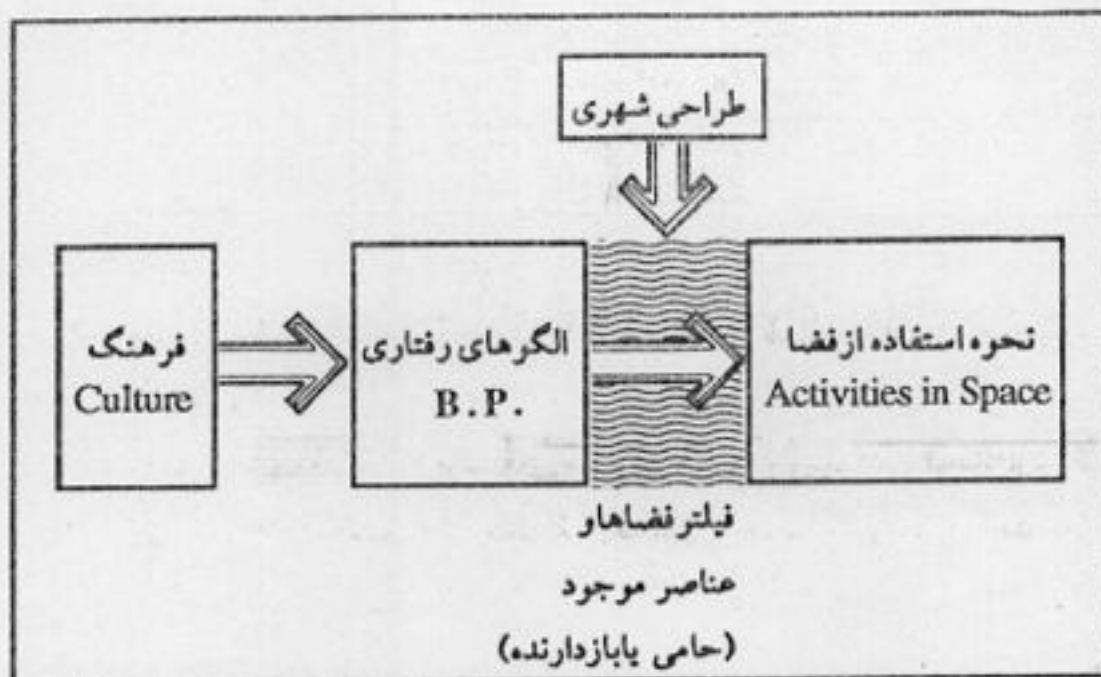
به عبارت دیگر فرهنگ الگوهای رفتاری را بوجود می آورد و سپس الگوهای رفتاری تعیین کننده و بیان کننده چگونگی استفاده مردم از فضاها می شوند.

پس طبیعی است که نحوه و میزان استفاده از خیابان در فرهنگ های مختلف متفاوت باشد. مثلاً در هندوستان خیابان در درجه اول مکانی برای وقوع معجزاتی از فعالیت های متعدد و متنوع است که در نتیجه انواع بو، صدا و مناظر عجیب و غریب را بوجود می آورد. مخلوطی از حیوانات، انسانها، موتور، دوچرخه، کامیون، اتوبوس و غیره از هر طرف در حال حرکتند که بطرز ماهرانه ای در یکدیگر بافته شده اند. فضاها پر است از مردم با لباسها و قیافه های گوناگون در حال رفت و آمد، نشستن، ایستادن، چمباتمه زدن، لمیدن، دراز کشیدن، خوابیدن، غذا پختن، غذا خوردن، اصلاح کردن، لباس شستن و کارهای دیگری از تعمیر دوچرخه گرفته تا پنچری و صنایع دستی و خیاطی و بازی کردن، حرف زدن، بحث و مجادله کردن، چانه زدن، عبادت کردن، و...⁽¹⁾

(1) Rapoport, A. " Pedestrian Street Use - Culture and Perception", in: Streets As....

به این ترتیب که استفاده از فضا بخصوص توسط پیاده ها عمدتاً ریشه و منشاء فرهنگی دارد و محیط (فرم و فضا) تنها نقش کمکی (حمایت کننده) و یانقش بازدارنده داشته و به هیچوجه تعیین کننده رفتارها نمی باشد. این نکته از نظر طراحی شهری اهمیت فوق العاده زیادی را دارا می باشد. زیرا در حالیکه امکان هرگونه تغییر در فرهنگ و یا در الگوهای رفتاری بطور مستقیم و در کوتاه مدت وجود ندارد لیکن می توان با استفاده از طراحی، فعالیت های مناسب را حمایت و فعالیت های نامناسب را تحدید نمود. براین اساس می توان در طراحی خیابان ها با استفاده از عوامل و عناصر فضائی، کالبدی و ادراکی مناسب، فضاهایی بوجود آورد که انجام فعالیت های مطلوب را تسهیل و از انجام فعالیت های نامطلوب ممانعت به عمل آورد.

بنابراین طراحی شهری بهیچوجه نباید قصد رویارویی و برخورد مستقیم با الگوهای رفتاری جامعه و تغییر و یا اصلاح آنها را به این ترتیب داشته باشد. بلکه باید سعی کند با استفاده از ابزار و وسایل موجود طراحی شهری و بکارگیری تکنیک های مفید و موثر، فضاها و عناصر مربوط به آنها را بگونه ای طرح نماید که با تسهیل انجام رفتارهای مطلوب آنها را تشویق و با ایجاد مانع برای انجام رفتارهای نامطلوب اند اینگونه رفتارها را محدود و یا کلاً متوقف نماید. حال چه رفتارهایی مطلوب و چه رفتارهایی نامطلوب اند بستگی به عوامل گوناگون از جمله نرمهای قبول شده جامعه، موقعیت و شخصیت فضای مورد نظر و هدفهای جامعه و طراحان و برنامه ریزان در ارتباط با فضاهای شهری دارد. وقتی بین هدفهای طراحان و نرمهای جامعه تفاوت و یا تعارض وجود داشته باشد، در اینصورت کار طراحی اهمیت و معنی بیشتری پیدا کرده و از حساسیت بالاتری برخوردار خواهد شد.



اهمیت مسئله

خیابان‌ها مهمترین، حساسترین و بیشترین فضاهای عمومی یک شهر را تشکیل می‌دهند. اهمیت خیابان‌ها را از چند جهت می‌توان بررسی نمود:

۱- اختصاص درصد قابل ملاحظه‌ای از سطح شهرها به خیابان بطور کلی امروزه تقریباً در تمام شهرهای دنیا بخاطر وارد شدن ماشین (اتومبیل) در زندگی انسان و وابستگی بی‌چون و چرای زندگی انسان در شهرها به ماشین، سطح نسبتاً زیادی از اراضی شهرها به خیابان اختصاص داده شده است تا جاییکه در بعضی از شهرهای کشورهای غربی تا حدود ۷۵٪ از اراضی شهری بنحوی در اختیار اتومبیل قرار گرفته است (نظیر خیابان‌ها، اتوبان‌ها، پارکینگ‌ها و غیره).

۲- خیابان به عنوان عنصر اصلی فرم شهر

خیابان‌ها چارچوب، بدنه و ساختار اصلی فرم هر شهر را تشکیل می‌دهند. به عبارت دیگر یکی از عوامل عمده تعیین کننده فرم هر شهر شبکه

خیابان های آن شهر است. و بدیهی است هر شبکه خصوصیات خاص خود را داشته و از امتیازات و محدودیت های ویژه ای برخوردار است. براین اساس هویت، شناسائی و مقایسه فرم شهرها می تواند در وهله اول از طریق شبکه خیابان های آنها انجام پذیرد.

۳- خیابان ها محل اتصال و ارتباط فضاهای و فعالیت های شهری به یکدیگر

خیابان ها در حقیقت فضاهای عمومی شهر هستند که با ایجاد ارتباط بین بخش ها و فعالیت های مختلف یک شهر همانند شریان ها در بدن، آن را زنده و پویا نگه می دارند.

۴- خیابان ها به عنوان نماد فرهنگی

در زندگی شهری امروز خیابان ها نه تنها محل اتصال و ارتباط فضاهای و فعالیت های شهری یکدیگرند، بلکه مظهر و آئینه زندگی هر شهر نیز به حساب می آیند. بر همین اساس باید انتظار داشت که در فرهنگ های مختلف، خیابان ها بصورت های گوناگون و متنوعی تبلور پیدا کنند. نمونه واقعی زندگی ساکنین یک شهر اعم از فعالیت های عمومی و خصوصی در خیابان های آن وجود دارد. همین فعالیت ها است که همراه با هر چیز دیگری که نمایانگر ارزشهای ساکنین شهر باشد سرانجام در کالبد شهر انعکاس پیدا خواهد کرد. باین دید خیابان وسیله بسیار موثری برای انتقال اطلاعات است.

۵- خیابان مهمترین وسیله و ابزار طراحی شهری

بزرگترین مشکل حرفه طراحی شهری امروز در همه جای دنیای آزادفقدان وسائل موثر و کافی جهت انجام دخالت های لازم در بافت شهر، ایجاد کنترل و یا هدایت آن و بوجود آوردن امکان پیاده کردن ایده های جدید بوده است. با توجه به آنچه گفته شد خیابان ها مهمترین و موثرترین فضاهای عمومی هر

شهری به حساب می‌آیند که در مالکیت عموم بوده و بنابراین مناسبترین امکانات را در اختیار طراح شهری قرار می‌دهند تا از این طریق بخش اعظم فضاهای عمومی شهر که در ضمن اسکلت کلی شهر را نیز تشکیل می‌دهند سامان بخشیده و نهایتاً به ایجاد نظم و هری می‌مناسب برای کل شهر بیانجامد.

بنابر دلایل فوق است که مسئله خیابان و چگونگی استفاده صحیح و موثر از آن اخیراً در همه جا مورد بحث جدی قرار گرفته است. با وجود اینکه در کشور ما به دلیل بیگانه بودن پدیده خیابان با فرهنگ بومی بررسی علمی مسئله به مراتب با اهمیت‌تر و ضروری‌تر بنظر می‌رسد، لیکن متأسفانه تاکنون مطالعه‌ای بصورت یک تحقیق جدی و سیستماتیک در این زمینه انجام نگرفته است.

طرح مسئله

استفاده از خیابان‌ها همیشه و در همه جا صحنه تضادها، برخوردها و رقابت‌ها بوده است. گروههای مختلف استفاده‌کننده همیشه در کنترل و استفاده از فضاهای محدود خیابان‌ها به شدت بر یکدیگر سبقت گرفته و در خیابان قانون مناسب جهت کنترل و نظارت در استفاده از فضا، طبیعتاً ضعیف‌ترین گروهها که همان عابر پیاده و بخصوص خردسالان، سالخوردگان و معلولین باشند بازندگان یک چنین مسابقه‌ای خواهند بود.

پدیده خیابان حداقل به صورت کنونی خود، همانند و همزمان با اتومبیل از غرب وارد فرهنگ ما شده و طراحان و برنامه‌ریزان ما نقش چندانی در تنظیم و طراحی این فضاها بخصوص در رابطه با خصوصیات فرهنگی و نیازهای اجتماعی، اقتصادی نداشته و صرفاً به پیاده کردن الگوهای خارجی (واغلب الگوهای مردود خارجی که تنها به ماشین پاسخگو بوده است) پرداخته‌اند. حاصل امر این شده که فضاها و فرمهای ایجاد شده با نیازها و خصوصیات (الگوهای رفتاری) جامعه ما انطباق نداشته و در نتیجه خیابان‌ها به محل‌هایی ناامن، زشت، خطرناک، ناسالم، خیرانسانی، شلوغ و پرسروصدا و پر دغدغه تبدیل گشته و در بسیاری از نقاط مسئله حالت بحرانی پیدا کند.

عوامل متعددی را می‌توان به صورت فرضیه در بیان هلی بوجود آمدن این بحران مطرح کرد:

۱- علت اصلی بروز مشکلات فوق عدم انطباق کمیت فضاهای موجود در خیابان‌ها با نیازها است. به این ترتیب که میزان فضای خیابان‌ها بخصوص در بخشهای مرکزی شهرها مقداری ثابت و محدود بوده، در حالیکه نیازهای استفاده‌کنندگان از این فضاها چه از لحاظ کمی و چه کیفی دائماً در حال افزایش بوده است.

۲- فرضیه دیگر اینستکه برور زمان تغییر و تحولاتی در تعریف، معنی و طرز استفاده از خیابان پدید آمده و ناهنجاریهای کنونی ناشی از عدم انطباق کامل فرم و فضای خیابان‌ها با آن تغییر و تحولات است. در بسیاری از شهرها فضاهائی که سالها قبل از بوجود آمدن اتومبیل مورد استفاده پیاده‌ها قرار می‌گرفته، اینک مملو از اتومبیل شده و بعنوان خیابان به مفهوم امروزی مورد استفاده قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر عملکرد فضا تغییر یافته بدون اینکه در فرم آن تغییری حاصل شده باشد.

۳- فرضیه سوم اصولاً تضاد غیر قابل انکار بین ماشین و انسان را مطرح می‌سازد و اینکه همزیستی بین این دو در یک فضای واحد مشترک غیر ممکن است. نیاز ماشین، سرعت، سهولت و کارایی است که در خیابان‌های پهن، صاف و بدون مانع بیشتر حاصل می‌شود، در حالیکه انسان نیاز به فضاهای کوچک، انسانی، متنوع و پیچیده دارد تا با علاقه، حرصه، آرامش و کنجکاوی به تجربه و اکتشاف آنها بپردازد. آنچه برای عابر پیاده ایده‌آل است برای راننده خطرناک و نامطلوب است و بالعکس.

۴- فرضیه آخر که در حقیقت فرضیه مورد استفاده در این طرح می‌باشد، اینستکه تضادها، تنگناها، و بحرانهای موجود در استفاده از فضاهای خیابان‌ها (بخصوص در مورد عابر پیاده) در درجه اول ناشی از عدم تطبیق فضاهای موجود با الگوهای رفتاری گروههای استفاده‌کننده از این فضاها است. به عبارت دیگر در طراحی و شکل دهی فضاهای خیابان‌ها الگوهای رفتاری استفاده‌کنندگان که در حقیقت معرف

فرهنگ جامعه است مورد توجه قرار نگرفته و به همین علت بین فضاهای موجود و نحوه استفاده از این فضاها تعارض اساسی وجود دارد. براساس فرضیه فوق و با استفاده از فنون و ابزار طراحی شهری و شناخت صحیح الگوهای رفتاری گروههای مختلف در فضاهای خیابان ها می توان به راه حلهای خاصی مطابق با فرهنگ و مقتضیات جامعه دست یافت و مسائل و بحرانهای موجود را تا حدود قابل ملاحظه ای رفع نمود.

هدف مطالعه

هدف از این مطالعه اینستکه با بررسی و تحلیل کمی و کیفی فضاهای موجود در خیابان های تهران، (نمونه های انتخاب شده) از یک طرف و الگوهای رفتاری استفاده کنندگان متعدد و متنوع آن از طرف دیگر، نقاط و جنبه های بحرانی رقابت و تضاد در استفاده از فضاهای موجود در خیابان ها (بخصوص از دید هابر پیاده) را شناخته، عوامل و علل بوجود آمدن این تنگناها را کشف کرده و ایده ها و ضوابطی جهت طراحی مناسب فضاهای منظور رفع تنگناها و بهبود وضعیت های نامطلوب و سامان بخشیدن کلی به فضاها را ارائه دهد. تاکید اصلی طرح بر روی الگوهای رفتاری پیاده ها و عدم انطباق این الگوها با فضاهای موجود در خیابان ها است.

نکته مهمی که پایه و اساس این طرح تحقیقاتی را تشکیل می دهد اینستکه طراحی، در هر مقیاس و موضوعی، برای اینکه از نظر محتری و عملکرد دارای ارزش و اعتبار باشد باید متکی به یک تئوری قابل قبول و معتبری باشد. و تئوری نیز بنوبه خود، وقتی معتبر شناخته می شود که بر پایه تعمیم درست و مناسب روابط بین عوامل و یا پدیده های مورد نظر (در این مورد محیط و رفتار) قرار داشته باشد و بالاخره تعمیم صحیح نتایج نیازمند اثبات نظریه در نمونه های متعدد است.

بنابراین هدف نهایی این تحقیق را می توان هموار کردن راه برای تدوین و تنظیم یک تئوری طراحی شهری خودی دانست. به همین جهت سعی شده مراحل مختلف مطالعه و تکنیک ها و روشهای برداشت و تحلیل فضا با دقت تشریح گردد.

مسابقه پژوهش

یافتن راه حل مناسبی جهت پیدا کردن مبنا و معیار در طراحی فضاها مسئله‌ای است که به‌خصوص در سالهای اخیر معماران و طراحان شهری را سخت بخود مشغول کرده است. فقدان روشهای غیر ذهنی (Objective) که بتوان با استفاده از آنها به مطالعه و تجزیه و تحلیل رفتارها در فضا پرداخت چه در معماری و چه در طراحی شهری کاملاً محسوس است. طراحان شهری نیز همانند معماران دائماً بر مفاهیم ذهنی (Intuitive) طراحی که مبتنی بر سوابق، سلیق و تجربیات شخصی آنها است تکیه می‌کنند. درحالی‌که پیچیدگی‌های روزافزون محیط زیست و تحولات سریع تکنولوژی انعکاس این پیچیدگی‌ها و بررسی تجزیه و تحلیل منطقی و عقلانی آنها را به صورت ذهنی غیر ممکن ساخته است. با وجود این تنها در این دو دهه اخیر است که معماران و طراحانی چون «کریستوفر آلکساندر» (Alexander 1964)، «مایکلسون» (Michelson 1975)، «تیل» (Thiel, 1961, 1964) «اپل یارد» (Appleyard 1964)، «وان در رایسن» (Van der ryne 1965)، و «وایت» (Whyte 1980) مسئله فرق را بطور جدی دنبال کرده‌اند.

در حقیقت پایه گزار مطالعات بصری-رفتاری را باید پرونسور «دانالد اپل یارد» دانست که با همکاری «کوین لینچ» و «جان مایر» اولین تحقیق بصری-تجسمی را در مقیاس شهری انجام داد و در سال ۱۹۶۱ تحت عنوان «دید از جاده» یا (The



بیان دیگر، بسیاری از موضوعاتی که صیغه مقدس ندارند، الزاماً نامقدس نیستند؛ بلکه اموری خنثی و مباح هستند.

تعاریف رایج در مورد فضای شهری

تعابیری چون "فضای اجتماعی و فضای ساخته شده و تداعی کننده نهادهای اجتماعی" (کولکوهن، به نقل از مدنی پور، ۱۳۸۴، ص ۱۳)؛ "فضاهای خالی ای که محدود شده اند" (برونوزوی، به نقل از مدنی پور، ۱۳۸۴، ص ۱۰)، "فضایی که در آن ارتباطات ویژه بصری و حرکتی وجود داشته باشد؛ ساختاری سازمان یافته، آراسته و واجد نظم، به صورت کالبدی برای فعالیت های انسانی و استوار بر قواعد معین و روشن" (زوکر؛ به نقل از توسلی و بنیادی، ۱۳۷۱، ص ۱۸)؛ "صحنه ای که فعالیت های عمومی زندگی شهری در آنها به وقوع می پیوندد؛ خیابان ها، میداين و پارک های یک شهر فعالیت های انسانی را شکل می دهند" (بحرینی، ۱۳۷۷، ص ۳۱۳)؛ "مکان اصلی وقایع و حوادثی که نقش خلاق در پیوند امروز با فردا را سامان می دهد. این فضا در بر گیرنده چهار عنصر اساسی: ساکنان یا عابران، عناصر انسان ساخت (کالبدی یا فعالیتی)، روابط (میان افراد و عناصر یا میان عناصر) و زمان می باشد" (حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۶، صص ۱۱-۱۰)؛ "محل برقراری تعاملات اجتماعی که باز و عمومی باشد" (پاکزاد، ۱۳۸۴، ص ۵)؛ "فضای دارای ارزش" (توسلی و بنیادی، ۱۳۷۱، ص ۴۱)، "صحنه ای که داستان جمعی در آن گشوده می شود"؛ "محل برخوردهای از پیش تدوین نیافته"؛ "وضوح ویژگی های هندسی و کیفیت های زیباشناختی" (لینچ، کار و کریر، به نقل از طغیانی، ۱۳۸۸)؛ برخی از تعاریف مطرح برای فضای شهری، یا صفات و ویژگی هایی هستند که برای فضای شهری معرفی و مطرح می شوند.

اطلاق "فرایندی اجتماعی- مکانی" که تمام ساختمان ها، اشیاء و فضاهای محیطی و

۱. توجه کنیم که اکثر تعاریف، وام گرفته شده از دیگران، با تفسیر آراء آنان است.

شهری و نیز افراد، رویدادهای روابط میان آنها را در بر گیرد (مدنی پور، ۱۳۸۴، ص ۱۳۸۴)؛
 تعریف دیگری از فضای شهری است.^۱ تعریف دیگری که برای فضای شهری قابل استنباط
 است به بیان کاربرد آن می پردازد؛ که با آراء مدرنیست ها در مورد فضای شهری (که ذکر آن
 گذشت) قابل انطباق است: "کاربرد فضاهای شهری، ایجاد آرامش، سرگرمی و محلی برای
 گردش، فراهم آوردن ارتباط و زمینه معاشرت و امکان تردد می باشد" (پاکزاد، ۱۳۸۴، ص ۵).
 برخی از تعاریف دیگری که در مورد فضای شهری در منابع در دسترس قرار دارند (به
 نقل از نژادستاری، ۱۳۸۸) عبارتند از: "هر فضای شهری را نمی توان فضای شهری دانست،
 مگر آن که بر اساس قواعد زیبایی شناسی شکل گرفته باشد (توسلی و بنیادی، ۱۳۷۲،
 ص ۳)؛ فضای شهری موجب تسهیل روابط اجتماعی و پالایش ساخت اجتماعی می شود
 (شوای، ۱۹۶۹)؛ فضای شهری با راهبردهای اجتماعی جامعه مربوط است (شوای، ۱۹۶۹ و
 هانسون و هیلی پر، ۱۹۸۴)؛ فضای شهری موجب گسترش حسن اعتماد و اطمینان گردیده،
 بر امنیت و کنترل اجتماعی می افزاید (جیکوبز، ۱۹۶۱)؛ فضای شهری مشارکت و مسئولیت
 شهروندان را میدان می دهد و توان خودگردانی و کنترل درونی انسان ها را ارتقا می دهد؛
 فضای شهری نمود اهداف انسان ارگانیک است، و بیش از سایر فضاها می تواند "آرامش و
 امنیت" و "نظم و همیاری و تعاون"، تقویت عواطف و دانش همراه با "زیبایی نمادین" را
 برای رشد نیروهای بالقوه انسان و چهره انسانی بخشیدن به تمدن و فرهنگ، تحقق بخشد
 (مامفورد، ۱۹۶۱)؛ فضای شهری فرایند اجتماعی شدن افراد را تسهیل می کند و عرصه مهم
 اعمال هنجارها و موازین اجتماعی است (راپوپورت، ۱۹۷۷)؛ فضای شهری به تلطیف عواطف
 مشترک جمعی انسان ها یاری می رساند و واجد کیفیت انسانی - عاطفی است (بیکن،
 ۱۹۷۵)؛ فضای شهری میدانی برای شکل بخشیدن به انسان است، فضای شهری پلی بین
 تکنولوژی مدرن و انسانیت است و به برقراری مجدد اهمیت انسان در محیط زیست اشاره

۱. این تعریف البته خاص فضای شهری نیست و به طور عام فضا را تعریف می نماید. اما در عین حال، بر وجوه و موضوعات کفی متمرکز بوده و از ذکر و اهمیت وجوه کیفی بر تعریف فضا غفلت ورزیده است.

دارد (کنزوتانگه)؛ فضای شهری عرصه نمایش زندگی است؛ فضای شهری به مفهوم محدای است که فعالیت‌های عمومی زندگی شهری در آن به وقوع می‌پیوندند. خیابان‌ها، میادین و پارک‌های یک شهر فعالیت‌های انسانی را شکل می‌دهند (بحرینی، ۱۳۷۷، ص ۳۱۳).

اصلی‌ترین عوامل تعریف‌کننده فضای انسان با آن‌ها

در شهرسازی یا معماری، به طور عام می‌توان فضا را به محدوده‌ای تعریف‌شده و سه‌بعدی اطلاق کرد که اشیاء در میانه (یا در حاشیه) آن قرار دارند یا درون آن حرکت می‌کنند. موضوعاتی چون زمان و احساس (و ادراک) و جو یا اتمسفر، ابعاد دیگری هستند که می‌توانند به سه بعد فیزیکی فضا اضافه شوند (در فصل بعد مشروحاً توضیح خواهند شد). خلط معنا و مفهوم فضا با مفهوم حجم، یا به عبارت بهتر تأثیرپذیری از حجم در تعریف فضا، زمینه‌ای است که نزد بسیاری افراد محتمل است. برخی اصولاً، حجم یک عنصر معماری را بر فضایی که در درون و به خصوص در بیرون خویش (به همراه سایر عناصر) خلق می‌نماید، به عنوان شاخص اصلی مد نظر قرار می‌دهند. این تفکر در واقع، معماری را به مثابه مجسمه‌ای منتزع از سایر عناصر پیرامون خویش (شهر و طبیعت) و در فضای بی‌کرانی که در آن اجزای دیگر نیستند تلقی نموده و میل دارند که این تندیس برای ناظر خوشایند باشد.

جمع‌بندی

به عنوان جمع‌بندی آرای که در مورد فضای شهری مطرح‌اند، به اجمال می‌توان گفت که تقریباً جملگی محققینی که در مورد فضای شهری افاضاتی دارند، بر جنبه "عمومی بودن فضا" و سروکار داشتن آن با "زندگی عمومی" در "فضای شهری"، به صورت مستقیم تأکید

جدول شماره ۱-۲، نشان‌دهنده مقایسه اجمالی ویژگی‌های "فضا" و "مکان" است.

ج. نکاتی در باب محیط

اگر چه در مورد معنا و مصداق "محیط" و کاربرد آن در زمینه‌های مختلف، مباحث زیادی مطرح است، اما در این مجال، تنها به برخی از هم‌پوشانی‌های این واژه با "فضا" اشاره می‌شود. واژه محیط، معمولاً، به صورت غیرمستقیم، به یک شیء محاط‌شده در محیط، اشاره دارد. به عنوان مثال، وقتی در مورد شهر و فضا صحبت می‌شود، به طور غیرمستقیم به محدوده‌هایی اشاره می‌شود که انسان را احاطه نموده‌اند. طبیعی است که برای محیط (یا محدوده پیرامونی انسان و کسانی که در یک شهر زندگی می‌کنند)، مقیاس‌های مختلفی مطرح است.

جدول شماره ۱-۲: مقایسه اجمالی ویژگی‌های "فضا" و "مکان"

اصلی‌ترین ویژگی‌های "فضا"	اصلی‌ترین ویژگی‌های "مکان"
تجلی ذهنی اتفاقات عام با انتظار القائات در یک مقطع زمانی، مثل صفات امنیتی، ترسناک، شادی‌بخشی یا اضطراب می‌باشد.	"مکان" تجلی عینی آن دسته از ارزش‌ها و فعالیت‌های انسانی است که انسان خود در تعریف ویژگی‌های آنها دخیل باشد.
تحولات "فضا"، به تغییر عملکردهای گروه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی مربوط است.	تحولات "مکان" به تغییر نگرش انسان به ارزش‌ها بستگی دارد.
"فضا"، موضوعاتی را به ذهن متبادر می‌کند.	"مکان" تعلقاتی را در انسان پدید می‌آورد.
"فضا" در بردارنده مکان‌های متنوعی، هم برای یک نفر، و هم برای افراد مختلف یک جماعت است.	"مکان" جزئی تعریف شده و محدود از فضا است.
روابط عناصر و اجزاء و ویژگی‌های "فضا"، عام‌تر، گسترده‌تر و ذهنی‌تر هستند.	روابط عناصر و اجزاء و ویژگی‌های "مکان" محدودتر و عینی‌تر هستند.
حدود یک "فضا" هاله‌ای است که به مرور به حدود فضاهای مجاور متصل می‌شود و در نتیجه فضاهای مجاور هم‌پوشانی‌هایی با یکدیگر دارند.	حد (یا حدود) یک "مکان" مشخص است؛ هم‌پوشانی مکان‌ها (از نظر یک نفر) حد اقل است؛ و حدود مکان‌ها تعریف‌شده هستند.

عوامل انسانی در شکل‌گیری یک "مکان" نقش اصلی را ایفا می‌کنند؛ و در نتیجه، "مکان" (به دلیل تعلق آن به فرد یا گروهی خاص)، ماهیتی عینی و مشخص دارد.	در شکل‌گیری "فضا"، عوامل ذهنی مثل عوامل عملی، طبیعی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و یا حالات روحی و ادراکی انسان (مثل غفلت و آگاهی و آرامش) نقش مؤثری ایفا می‌کنند.
دگرگونی و تحول در ارزش‌های فرهنگی و رفتاری جامعه ابتدا "مکان" و سپس "فضا" را تحت تأثیر قرار می‌دهد.	تحولات فضایی عموماً ناشی از تحولات فرهنگی و رفتاری و ارزشی جامعه است که به تحولات مفهوم مکان منجر شده‌اند.
ساختار "مکان" عینی، کالبدی و محسوس است.	ساختار "فضا"، ذهنی، معنایی (معنوی) و ادراکی است.
عوامل هویتی "مکان" عمدتاً عوامل کالبدی و محسوس هستند.	عوامل هویتی "فضا" عموماً عوامل ذهنی و معنایی هستند.
تاریخ "مکان"، خاص و برای عموم به صورت جزئی مطرح است.	"فضا" واجد تاریخی است که به صورت کلی شناخته می‌شود.
"مکان"، عالمی عینی است که از جهت معنوی به مقدس و نامقدس (یا خنثی) تقسیم می‌شود.	"فضا" عالمی ذهنی است که از جهت معنوی به روحانی، شیطانی یا خنثی قابل تقسیم‌بندی است.
از نظر ادراک و تصور، سطح یا مجموعه‌ای از سطوح (عموماً مسطح و امکاناً منحنی) مبین "مکان" هستند.	از نظر هندسی (یا تصور و ادراک ذهنی)، "فضا" منحنی است؛ که حالت حریم پیرامونی آن به مرور رفیق می‌شود تا به فضای بعدی برسد.
"مکان"، عموماً جایی است که اشیاء و پدیده‌ها در آن جای گرفته و مستقر شده‌اند.	"فضا" محدوده حرکت خیال است و زمینه‌ساز حضور یا عدم اشیاء، پدیده‌ها و مفاهیم در آن می‌شود.
"مکان"، عمدتاً خاص معماری و شهر است.	"فضا"، در بسیاری از علوم و هنرها همچون نجوم و فیزیک و شعر و قصه و معماری کاربرد دارد.

به عنوان مثال، اگر انسانی را به عنوان مرکز یک محدوده انتخاب کنیم، محدوده‌های متحدالمرکزی به عنوان محیط(های) احاطه‌کننده او قابل طرح هستند. این دواپر یا محیط‌ها، از محیط فیزیکی و محیط خصوصی و شخصی و با شعاع چند متر (یا حتی چند سانتی‌متر) آغاز شده و تا محیط خیابان و محله و شهر ادامه می‌یابد، و تداوم آن تا

و الله که شهر، بی تو، مرا حبس می‌شود

آوارگی و کوه و بیابانم آرزوست

۱. مقدمه

یکی از اصلی‌ترین مراحل شناخت و تحلیل یک پدیده، تبیین ویژگی‌های عمومی و کلی آن پدیده است که به استناد آن ویژگی‌ها (و معیارها و شاخص‌های برگرفته از آنها)، می‌توان مجموعه‌ای از پدیده‌ها را زیر یک عنوان قرار داد و به دنبال آن، امکان شناخت مصادیق آن پدیده در فرهنگ‌ها، جوامع، تمدن‌ها و زمان‌های مختلف فراهم خواهد شد. در این فصل، بر آنیم تا پس از تعریف فضا (که در فصل گذشته به آن اشاره شد)، برای شناخت "فضای شهری" و به منظور فراهم آمدن امکان تحلیل آن، ابتدا تدوین ویژگی‌ها، صفات و مختصات را برای فضای شهری تبیین و معرفی کنیم، تا به کمک آنها (به عنوان معیارهای اصلی) بتوان مصادیق فضاهای شهری را، به ویژه در فرهنگ و تمدن ایرانی بازشناخت، آنها را ارزش‌یابی کرد، شاخص‌های ارزیابی‌شان را تدوین کرد و مصادیق مناسبی از آنها را برای هر شهر و جامعه مورد نظر طراحی و ایجاد و مدیریت کرد. برخی از ویژگی‌های دیگر در وضوح و معرفی فضای شهری به عنوان شروطی اساسی یا معیارهای تکمیلی عمل می‌کنند که در این زمینه نیز به تناسب سخن خواهیم گفت.

۲. ویژگی‌های اصلی فضای شهری

مروری بر آثار و نوشته‌های موجود درباره ویژگی‌های فضای شهری نشان می‌دهد که اکثریت قریب به اتفاق معیارها و شاخص‌ها و تعاریف اصلی و اساسی مذکور برای آنها، برگرفته از آثار غربیان است. البته نمی‌توان بر این "اخذ" ایراد زیادی گرفت که چرا ابتدا غربیان به تدوین علمی و انتشار این موضوعات پرداختند؛ بلکه سخن در این است که

مقایسه این معیارها، شروط و حد اقل کنکاش در ارائه تعاریف ایرانی یا متناسب و هماهنگ با فرهنگ و محیط ایرانی از این موضوعات، ضرورت دارد. این ضرورت از آنجا ناشی می‌شود که فضای شهری معمولاً مکان برپایی آیین‌ها و تجمع و تعاملات اجتماعی و فعالیت‌های گروهی و جمعی است. قاعدتاً، تعریف ایرانیان از آیین، تاریخ، تعاملات و ارتباطات، با تعریف سایر جوامع از این مقولات، از بسیاری جهات، متفاوت است. هر جامعه‌ای، آیین‌ها، رسوم، رفتارها، هنجارها و برخورد‌های اجتماعی خاص خود را دارد. به این ترتیب، برای فعالیت و برقراری ارتباطات اجتماعی و برپایی آیین‌هایش، فضای خاص خود را نیز طلب می‌کند. به همین دلیل است که در این مجال، ضمن معرفی ویژگی‌های مورد قبول برای فضای شهری، به برخی از اثرات فرهنگ ایرانی بر این ویژگی‌ها، معنا و مصادیق آنها نیز اشاره خواهد شد. اهم ویژگی‌هایی که به استناد آنها، می‌توان فضایی را فضای شهری نامید، عبارتند از:

✓ امکان دسترسی عام: امکان دسترسی همه مردم در همه اوقات و بدون هیچ محدودیتی به یک فضا، یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌هایی است که برای فضاهای شهری ذکر می‌شود. لازم به ذکر است که "امکان دسترسی عام"، ممکن است گاهی با محدودیت‌هایی همراه شود. به عنوان مثال، ممکن است گذرهای عبوری از بازارها، در مواقع یا ساعات خاصی به روی عبور و مرور بسته شود. برخی از فضاها، همه شرایط فضای شهری را دارند، اما به جهات اقلیمی سرپوشیده‌اند و امکان تردد را محدود می‌کنند. ضمن آن که حتی در فضاهایی که هیچ گونه محدودیتی برای ورود به آنها وجود ندارد، به دلیل عدم حضور انسان (در مواقعی مثل نیمه‌های شب یا شرایط خاص جوی و مانند این‌ها) خاصیت خود را به عنوان فضای شهری از دست خواهند داد. در واقع، مجموعه‌ای از ویژگی‌ها، وجود دارند که وجود توأمان آنها در یک فضا، آنها را به فضای شهری مسمی می‌کند. در عین حال، مجموعه ویژگی‌های فضای شهری ممکن است با شدت و ضعف متفاوت در یک فضای شهری متجلی شوند. به هر حال، فراهم بودن امکان حضور همه مردم در یک فضا با سهل‌ترین شرایط، فضا را به سمت ظهور

به عنوان فضای شهری، به سمت مناسب بودن برای ایفای نقش فضای شهری گرایش می‌دهد. طبیعی است که هر چه زمان فعال بودن فضا فزونی یابد، این گرایش تشدید می‌شود.

✓ مسقف نبودن: فقدان سقف (یا مسقف نبودن) فضای شهری، یکی از معیارهای اصلی مطرح برای فضای شهری، در نسخه غربی و مصادیق رایج آن است. این معیار، با استناد به مصادیق رایج برای فضای شهری از قبیل میدان، خیابان، پارک، پله و کناره معرفی می‌شوند (ر.ک: بحرینی، ۱۳۷۷؛ توستلی و بنیادی، ۱۳۷۱ و پاکزاد، ۱۳۸۴). توجه با توجه به مصادیق بارز فضای شهری در شهرهای ایرانی و به ویژه مصادیق اصیل و تاریخی آن، این معیار می‌تواند به عنوان معیاری ثانوی تلقی شود. این معیار می‌تواند از نظر کالبدی یک معیار باشد؛ اما با توجه به آیین‌ها و مصادیق تاریخی فضاهای شهری در ایران، می‌توان فضاهایی را معرفی کرد که در عین حالی که فضای شهری هستند و معیارهای اصلی فضای شهری در مورد آنها صادق است، اما مسقف می‌باشند. نمونه بارز آن را می‌توان در ایوان‌ها، بازارها، حسینیه‌ها و در تکایای سرپوشیده مشاهده کرد. در واقع، اگر معیارهایی چون تعاملات اجتماعی، دسترسی عمومی، امکان برپایی آیین‌ها، وجود خاطره‌های جمعی و وجود تناسب زیبایی‌شناسانه (که از سوی گروه‌های مختلف به عنوان ویژگی اصلی فضای شهری ذکر می‌شوند) به عنوان ملاک عمل برگزیده شوند، آنگاه می‌توان از بسیاری از فضاهای ایرانی مثل بازارها، چهارسوها، حمام‌های عمومی، آب‌انبارها، سقاخانه‌ها، ایوان‌های مجاور جلوخان‌ها، تکیه‌ها و حسینیه‌های سرپوشیده، شبستان مساجد و بسیاری از فضاهایی که جمع مردم را در خویش می‌پذیرفته‌اند را نیز به عنوان مصادیق بارز فضاهای شهری ایرانی و اسلامی ذکر کرد. در ادامه همین فصل و فصلی دیگر، تحت عنوان "تحلیل فضای شهری"، با جزئیات بیشتری سخن به میان آمده است.

✓ دسترسی و حضور پیاده: یکی از ویژگی‌هایی که می‌توان برای فضای شهری برشمرد،

امکان (یا لزوم) دسترسی و حضور پیاده در آن است. این ویژگی، به خصوص امروزه که دسترسی به بسیاری از فضاها، از جمله قسمت اعظم سطح خیابان‌ها، میادین، برخی پارک‌ها و حتی فضاهای عمومی همچون برخی سینماها، رستوران‌ها و بانک‌ها (driving cinema, auto bank, etc) با اتومبیل امکان‌پذیر شده است، از اهمیت برخوردار است. به این ترتیب، فضای شهری، باید فضای حضور پیاده‌ها و نه سواره‌های محصور در اطاقک اتومبیل‌ها باشد.

✓ حضور فیزیکی: در این دوران که فضاهای مجازی، برای تعاملات اجتماعی و حتی برای حضور مجازی افراد در فضاهای عمومی رو به افزایش و همه‌گیر شدن است^۱، توجه به حضور فیزیکی انسان‌ها در یک فضا، برای آن که "فضای شهری" نامیده شود، ضرورت دارد. البته امروزه، به تدریج تبعات منفی روحی و روانی ناشی از زندگی مجازی (اعم از خرید و آموزش) و سایر ارتباطات) و تقلیل تماس‌های رو در روی انسان‌ها، در حال ظاهر شدن است. به همین دلیل مبتکران و مبدعان زندگی مجازی، با احساس این تبعات منفی، در حال جستجوی راه‌های امحاء یا تقلیل آنها هستند.

✓ رایگان بودن: یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های فضای شهری، رایگان بودن حضور در آن است. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که فضای شهری، فضایی است که برای حضور در آن نیاز به پرداخت وجهی از سوی مردم نباشد. البته این شرط را نیز همچون سایر شروط نمی‌توان به صورت مطلق مطرح کرد، چرا که ممکن است در برخی اماکن، برای ورود به برخی پارک‌ها (به تناسب عملکرد آنها یا در بعضی جوامع) یا ورود به برخی از فضاهای شهری که جنبه تاریخی یافته‌اند، وجه مختصری از افراد دریافت کنند. در مقابل، بسیاری از فضاها هستند که علی‌رغم عدم لزوم پرداخت وجه برای حضور در آنها، هیچ شباهت یا

۱. غافل از آن که آنچه زیارت را زیارت می‌کند، ضرورتاً حضور قلب است و نه الزاماً حضور فیزیکی؛ ضمن آن که نباید از ارتباطات فیزیولوژیک و جسمانی نیز که به هر حال ضرورت حیات انسانی است غافل ماند و آن را نفی و نهی کرد.

تناسبی با فضای شهری ندارند. بنابراین، این مورد نیز موضوعی است که در هر جامعه‌ای مصداق خاص خود را دارد و به طور کامل قابل تعمیم نیست

✓ عمومی بودن: اصلی‌ترین ویژگی و صفتی که یک فضا را به عنوان فضای شهری ظاهر می‌کند، عمومی بودن آن است. عمومی بودن فضا، به معنی امکان ورود همگان و عدم نپهی و منع افراد از ورود در آن می‌باشد. در چنین فضایی، عملکرد خاصی برای آن معلوم و مشخص نشده و یا علیرغم عملکرد خاص، امکان حضور مردم در آن بدون پرداختن به آن فعالیت‌های خاص و پرداختن به سایر فعالیت‌های عمومی نیز ممکن باشد.

✓ ظهور تعاملات اجتماعی: با توجه به این که در مورد ویژگی‌ها، شرایط و مصادیق تعاملات اجتماعی، در بحث آتی و تحت عنوان "ویژگی‌های عملکردی" توضیح بیشتری ارائه خواهد شد، در این مجال، تنها به ذکر این نکته بسنده می‌شود که مطابق اظهار نظر اکثریت قریب به اتفاق کسانی که در مورد فضای شهری سخن گفته‌اند، "تعاملات اجتماعی" از ضروری‌ترین شرایطی است که به استناد آن، یک فضا، فضای شهری نامیده می‌شود. به عبارت دیگر، وقوع تعاملات اجتماعی، شرط اصلی و ضروری ظهور یک فضا، به عنوان فضای شهری است. در عین حال، شاید به جای استفاده از تعبیر "تعاملات اجتماعی"، بهتر باشد از تعبیری همچون "حیات شهری"، "فعالیت‌های جمعی"، "حیات مدنی"، احراز "وحدت اجتماعی" و ظهور "هویت جمعی و ملی" سخن به میان آید.

تکمله بحث

شاید بتوان (و حتماً می‌توان و باید) با توجه به شرایط فرهنگی و محیطی و تاریخی، برخی از این ویژگی‌ها را تعدیل کرد، یا ویژگی‌هایی را حذف یا به آن افزود. برای نمونه، بازارهای ایرانی که در گذشته (و حتی امروز) مکان اصلی تجارت، آموزش، برپایی آیین‌ها، عبور و مرور، ملاقات‌ها، مراودات و فضای فعالیت انجمن‌های غیردولتی بوده‌اند، برآمده از شرایط

۳. عناصر و اجزاء پدیدآورنده و شکل‌دهنده فضای شهری

هر فضا (و هر پدیده محسوس) متشکل از سه جزء اصلی "شکل" (هندسه یا کالبد)، "فعالیت" (عملکرد) و "معنی" (معنا، معنویت و هویت) است، که هر کس یا هر شیوه تحلیل، بر یک یا چند یا همه این اجزاء متمرکز خواهد بود. علاوه بر این سه جزء اصلی، که کاملاً مربوط و مستفاد از "فضا" هستند، عناصر چهارم و پنجمی نیز وجود دارند که در شکل دادن، فعالیت، حیات، دوام، بقا و ادراک "فضای شهری" نقشی یگانه ایفا می‌کنند. آنها عبارتند از: عناصر، "انسان" و "زمان" که به عنوان عناصر تکمیلی تعریف‌کننده و پدیدآورنده فضا معرفی می‌شوند.

به هر حال، ویژگی‌های فضای شهری که هر فضایی، با اّتصاف به آنها، می‌تواند فضای شهری نامیده شود، در سه گروه اصلی و دو عنصر تکمیلی، قابل طبقه‌بندی هستند: "ویژگی‌های کالبدی"، "ویژگی‌های عملکردی"، "ویژگی‌های معنایی"، "انسان" و "زمان" (نمودار شماره ۱-۲).

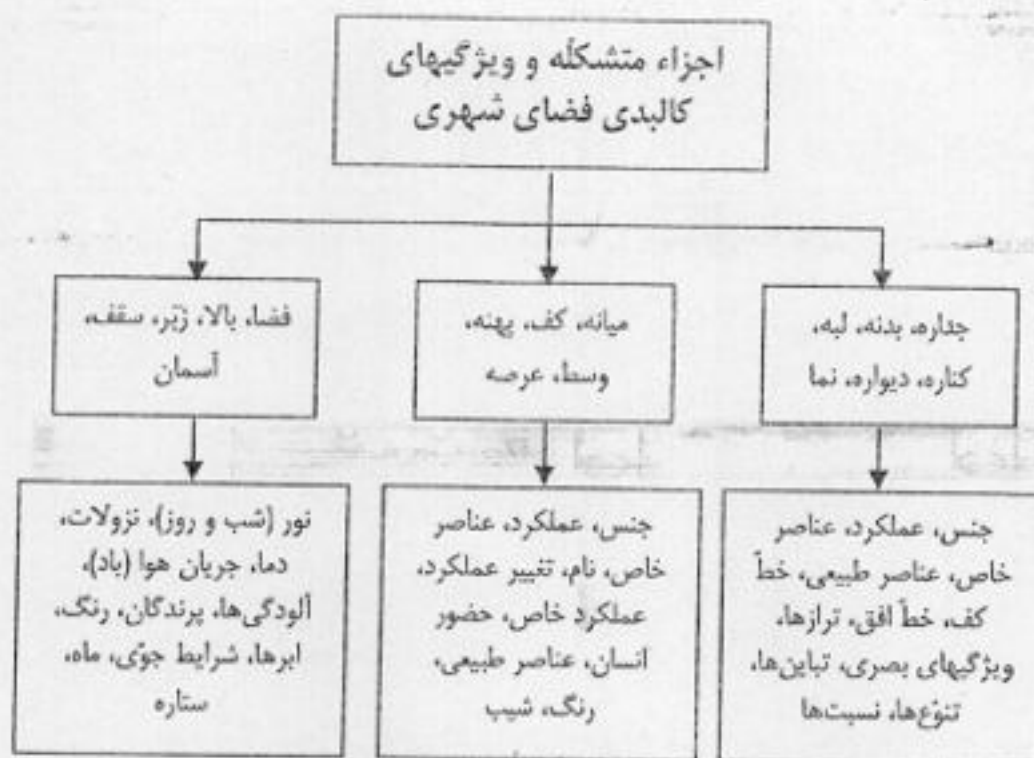


نمودار شماره ۱-۲: اجزاء اصلی شکل‌دهنده فضای شهری

الف. ویژگی‌های کالبدی

اصلی‌ترین ویژگی‌های ظاهری که می‌توانند مستقل از فرهنگ و محیط،^۱ به عنوان ویژگی‌های فضای شهری معرفی شوند، ویژگی‌های کالبدی هستند. هر فضا (که فضای

۱. بدیهی است که منظور ما، استقلال محتوایی نیست، بلکه مقصود استقلال رسمی است.



نمودار شماره ۲-۲: اجزاء اصلی فضای شهری و موضوعات مرتبط با هر کدام

✓ عملکرد: سطح یک فضا، عملکرد اصلی مورد انتظار یا تداعی کننده آن عملکرد (مثلاً مناسب برای حرکت اتومبیل، پیاده روی یا بازی و مانند اینها) را نیز تعریف می کند. در واقع، مجموعه عناصر شکل دهنده کف یک فضای شهری، با توجه به سوابق ذهنی ناظر و فضاهای مشابه، عملکرد خاصی را به ناظر القا کرده و به وی یادآوری می نماید که فضایی که او در آن قرار دارد برای چه فعالیت مناسب و هماهنگ است.

✓ شیب و شکل: شیب کف (یا زاویه ای که کف نسبت به سطح افق می سازد)، اگر چه یکی از اصلی ترین ویژگی های هندسی و ظاهری سطح یا میانه فضا است، اما عامل اصلی در ایجاد آن، طبیعت محیط و سرزمینی است که فضا در آن قرار دارد. در عین حال، باید توجه کرد که این موضوع، در نمایش، نوع و شیوه حرکت، استقرار عناصر فضا، و همچنین در احساس بالا و پایین فضا و جهت حرکت آب، نقش اصلی را ایفا می کند. بنابراین، شیب و شکل عمومی (یا پستی و بلندی) کف یک فضای شهری، علاوه بر تأثیری که از نظر ادراک بصری

هر یک از آنها ضمن القای معنا و مفهوم و عملکرد خاص خود ویژگی‌های کالبدی ویژه خویش را داشته‌اند. همچنین ویژگی‌های این فضاها به انحاء مختلف توضیح شده‌اند. بهر حال با توجه توجه به آنچه در مورد عدم قطعیت همه ویژگی‌ها و معیارها، برای همه فضاهای شهری، ذکر شد، برخی مصادیق فضاهای شهری در جامعه ایرانی، عبارتند از:

الف. میادین

با هر تعریفی که از فضای شهری داشته باشیم، میدان‌های شهری از بارزترین مصادیق فضای شهری هستند. نمونه‌های تاریخی میادین در شهرهای ایرانی، به صورت گشادگی محل تقاطع چند گذر که بسته به اهمیت و درجه گذرها به عنوان محل برپایی برخی مراسم، آیین‌ها، نمایش‌ها، شبیه‌خوانی، پرده‌خوانی و تعزیه‌خوانی (از جمله به عنوان حسینیه یا تکیه) ایفای نقش می‌نموده‌اند، ظاهر شده‌اند. مصادیق این گونه میادین را در شهرهای یزد، کاشان، سمنان، گرگان، نایین، تهران و سایر شهرهای ایرانی می‌توان مشاهده کرد. انواع میدان‌ها، البته، در طیف وسیعی قابل دسته‌بندی‌اند که معیارهای اصلی طبقه‌بندی آنها، قدمت، وسعت، عملکرد، دسترسی، ترافیک، ابعاد، بدنه‌سازی و کالبد آنها می‌باشند. بسیاری از میدان‌ها واجد اکثریت قریب به اتفاق ویژگی‌های مذکور برای فضای شهری هستند. نکته قابل ذکر این که بسیاری از میدان‌ها، به طور عام، سطوح خاصی از میانه خویش را به حضور انسان اختصاص می‌دهند و از این حیث، شباهت زیادی به خیابان‌ها دارند که پیاده‌روهای طرفین آنها به عبور پیاده‌ها اختصاص یافته‌اند. علاوه بر میدان‌ها، فضاهایی که نام "میدانچه" را بر خود دارند، و فضاهایی نسبتاً کوچک در مقیاس محلی هستند نیز، به عنوان فضایی شهری ظاهر می‌شوند. برخی میدانچه‌ها، به خصوص در مرکز محلات تاریخی که عملکردهای مورد نیاز اهالی را در جوار خویش داشته‌اند، به خوبی ایفاگر نقش فضای شهری بوده‌اند.

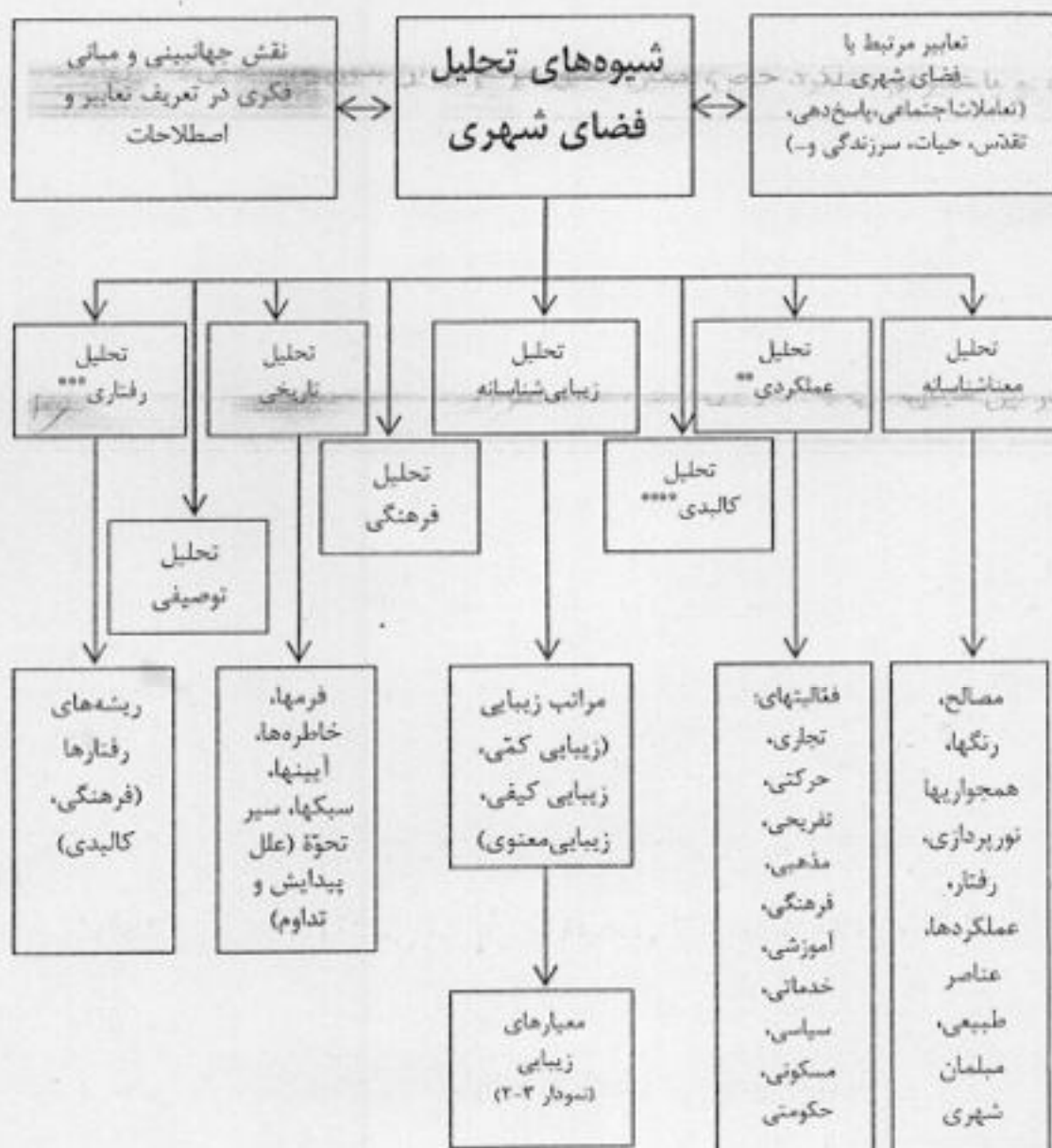
ب. خیابان‌ها

خیابان را به دلایلی، از جمله تعلق آن به کل شهر و شهروندان، به همراه برخی ویژگی‌های مذکور برای میدان می‌توان به عنوان فضایی شهری معرفی نمود. خیابان فضایی است که بارزترین ویژگی آن حرکت است که در دوران معاصر این ویژگی به صورت حرکت ماشین جلوه‌گر شده است. علاوه بر آن، با تحولات حادث در فعالیت‌های شهری و جابه‌جایی آنها، طرفین خیابان‌ها (و به ویژه خیابان‌های اصلی شهرهای امروز) به صورت بازارهایی (عمومی و تخصصی) ظاهر شده‌اند. در نتیجه آنچه که در گذشته از بازارها انتظار می‌رفت، امروزه در حاشیه خیابان‌ها قابل دسترس شده‌اند. این در حالی است که بسیاری از ویژگی‌های مثبت بازارهای تاریخی (اعم از ویژگی‌های معنوی و مختصات کالبدی و فیزیکی و شرایط محیطی) در بازارهای حاشیه خیابان‌ها وجود ندارد و تداخل‌های بسیار نامطلوب و همچنین شرایط محیطی نامناسبی را به وجود آورده‌اند (تصاویر شماره ۲-۳).

کاربرد واژه خیابان در شهر پدیده‌ای متأخر است و در گذشته برای آنچه که امروز خیابان نامیده می‌شود، واژه‌هایی چون راه، شاهراه، معبر، شارع، گذر و کوی به کار می‌رفت و واژه خیابان بیشتر به مسیرهای داخل باغ‌ها اطلاق می‌شد. مروری بر معانی مذکور برای خیابان در فرهنگ دهخدا موضوع را روشن می‌کند: "گلزار و چمن، رسته‌ای که در باغ می‌سازند برای عبور و مرور و کنارهای آن را گل‌کاری کنند، روشی که در باغ‌ها می‌سازند در میان آن راه دارند. راه ساخته و بیشتر در میان دو صف درختان باغ، گذرگاه‌ها که میان باغچه‌ها و درختچه‌ها به طول و عرض باغ ترتیب دهند در برابر یکدیگر. هر کوی راست و فراخ و دراز که اطراف آن درخت و گل باشد، کوی، شارع" (دهخدا، ۱۳۷۸).

بهرحال، راه‌های موجود در شهرهای ایرانی از نظر عملکردی و از نظر تلقی مردم، به دو گروه اصلی شارع عام و شارع خاص تقسیم می‌شده است. شارع عام به راه‌ها و مسیرهایی اطلاق می‌گردیده که به دولت و حکومت تعلق داشته، امکان و احساس سهولت استفاده از

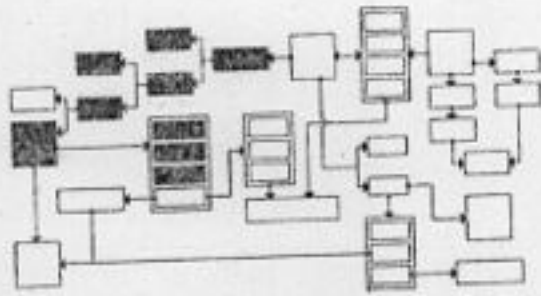
نکته دیگری که به عنوان عامل تقسیم‌بندی و نامگذاری شیوه‌های تحلیل فضای شهری ایفای نقش نموده است، این است که این وجوه تسمیه، عموماً به تعریفی که متخصصین هر رشته برای فضای شهری قائل هستند، مربوط می‌شود. بهر حال، اهم انواع و شیوه‌های تحلیل فضای شهری به شرح نمودار شماره ۱-۳ قابل تقسیم‌بندی می‌باشند.



نمودار شماره ۱-۳: انواع شیوه‌های تحلیل فضای شهری و جزئیات اصلی مربوط به هر شیوه

(توضیحات در صفحه بعد)

۸- مفهوم فضای شهری



مفهوم، بازتاب فکری یکدسته از عناصر، یا طبقات، براساس مشخصات غیر متغیر (یعنی خاصیت‌ها و روابط بین آنها) می‌باشد. هر مفهوم نماینده یا باز نمود کل یک مقوله است. واژه مقوله مجموعه‌ای از صفات یا ویژگی‌ها را تداعی می‌کند. مفهوم در کنار گزاره، عنصر پایه هر گونه تفکر عقلانی،

و منطقی است. گزاره به طور معمول بازتاب بیرونی یک محتوا می‌باشد ولی مفاهیم بازتاب عناصر سازنده یک محتوا هستند.

اندیشه ما صرف نظر از نوع آن، با مفاهیم تغذیه می‌شود. مفاهیم، طبقاتی ذهنی هستند که برای گروه بندی اشیاء، وقایع و خصایص مورد استفاده قرار می‌گیرند. توانایی ویژه انسان کمک می‌کند اطلاعات اطرافش را معنا کند و آنها را براساس ویژگی‌هایشان گروه بندی کند (دبلیو، ۱۳۸۳: ۴۷۶).

یک مفهوم صورت ظاهری خود را در یک کلمه خلاصه می‌کند مانند میدان. ولی مفاهیم همیشه یک واژه ای نبوده و گاه از چند واژه کنار هم تشکیل می‌شود مانند میدان محلی، یا میدان محلی سنتی. مفاهیم در ذهن چند عملکرد عمده دارند:

- ۱- مفاهیم به ما امکان تعمیم می‌دهند. اگر مفاهیم نبودند، هر شی و رویدادی در دنیای ما مختص به خود ما می‌شد.
 - ۲- مفاهیم امکان پیوند خوردن تجارب و اشیاء را فراهم می‌آورند. میدان، فلکه، میدانچه و جلوخان همگی میدان‌اند. مفهوم میدان به ما امکان مقایسه این میادین را می‌دهد.
 - ۳- مفاهیم چرخ‌های حافظه را روشن کاری می‌کنند و کارایی آنها را می‌افزایند. تا مجبور نشویم هر بار که اطلاعات خاصی برخورد کنیم این چرخ‌ها را باز آفرینیم.
 - ۴- مفاهیم، نشانه‌هایی در مورد طرز واکنش نشان دادن به چیزها یا تجارب در اختیارمان می‌گذارند. برای نمونه هر گاه گشودگی در تقاطع چند محور و جزیره‌ای در وسط این گشودگی دیدیم که عملکرد غالب آن توزیع حرکت سواره بود مفهوم میدان به ما کمک می‌کند. بهمین آن یک فلکه است.
- خواص و ویژگی‌های هر مفهوم را ظاهراً می‌توان به دو گروه تقسیم کرد:
- ۱- ویژگی‌های پیش‌گونه (پرونایپ) آن مفهوم، یعنی ویژگی‌هایی که نمونه‌های آن مفهوم را ذهن متصور می‌سازد. گر چه این ویژگی‌ها در نمونه‌های نوعی ممکن است صدق کند، ولی در تمام موارد صادق نیست. مانند ویژگی سکون در مورد میدان به عنوان یک گروه.
 - ۲- ویژگی‌های هسته یا تعریف کننده آن مفهوم، هسته‌ای را تشکیل می‌دهد که شامل مهمترین ویژگی‌های لازم برای تعلق به آن مفهوم است. به همین خاطر برای تشخیص تعلق یک پدیده به آن مفهوم مفیدتر است. مانند ویژگی خودمانی بودن میدان محلی.
- ویژگی‌های هسته یا تعریف کننده، خود به دو دسته قابل تقسیم هستند.
- ۱- دسته اول مشهود و قابل شناسایی سریع می‌باشند. مفاهیمی از این دست را مفاهیم تعریف شده می‌نامند؛ مانند ویژگی دنجی میدان محلی که به راحتی قابل تشخیص است.

۲- دسته دوم مشهود و قابل شناسایی سریع نمی باشند (مفاهیم گنگ) و فاقد تعریفی حقیقی اند. تعیین اینکه آیا فلان پدیده نمونه‌ای از فلان مفهوم گنگ است یا نه، اغلب عبارات است از تعیین شباهت آن به پیشگونه مفهوم مزبور. مانند ویژگی آرامش میدان محلی. این ویژگی ممکن است در برخورد اول نسبت به میدان حس شود ولی چند ساعت بعد به این نتیجه رسید که این میدان، دارای ویژگی آرامش نیست.

در مفاهیم گنگ ویژگی های پیشگونه برخی نمونه ها بیشتر از بقیه است. هر چه تعداد ویژگی های پیشگونه ای در نمونه بیشتر باشد، افراد عادی بیشتری آن نمونه را در شمار مفهوم مورد نظر تلقی می کنند و آن نمونه را نوعی تر از نمونه دیگر می دانند.

نوعی بودن نمونه، تأثیر عمده ای در دسته بندی آن دارد. وقتی تصویری از یک پدیده را نشان می دهیم و از خود می پرسیم که آیا این پدیده جزو مفهوم رده بالای خود می باشد یا خیر، در صورت نوعی تر بودن آن، سریع تر به جواب آری می رسیم. با موارد دیگر مطلب بسیار حساس و جانب توجه در مورد شمول معنایی واژه ها این است که واژه با معنایی فراگیر، فقط نکات مشترک واژه های مورد شمول با در برگیرنده خود را داشته، به تفاوت های میان آنان اشاره ای ندارد. به عنوان مثال درست است که از یک طرف با تصور معنای خیابان، پویایی آن که وجه مشترک میان بزرگراه، بولوار و کوچه و ... است معلوم می گردد، ولی از طرف دیگر الزاماً یک فضای سرزنده (خاص خیابان شهری) و همزمان آرام (خاص کوچه) را نمی تواند در بر گیرد. درست است که هم کوچه و هم بولوار در مقابل ایستایی میدان پویا می باشند، ولی پسندیده نمودن صرف طراح به پویایی و صرف نظر نمودن از آرامش کوچه، یا سرزندگی خیابان شهری به معنای عدم تشخیص هویت کوچه و خیابان شهری، و پنداشتن خیابان به مثابه کوچه ای وسیع و طولانی و کوچه به مثابه خیابانی باریک و کوتاه می باشد.

توجه به تفاوت ها، پیامدهای مثبت و عدم توجه به این تفاوت ها، پیامدهای ناسف آوری برای طراحی و نهایتاً رویدادهای شهری خواهد داشت.

علاوه بر آنکه مفاهیم دارای ویژگی های خاص خود هستند، ارتباطی نیز میان آنها وجود دارد. یک مفهوم می تواند جزو یا زیر مجموعه مفهومی دیگر باشد. به همین علت سلسله مراتبی میان مفاهیم موجود است. با کمک این سلسله مراتب می توان استنباط کرد که مفهوم، فلان ویژگی را دارد، ولو اینکه این ویژگی ارتباط مستقیمی با آن مفهوم نداشته باشد و جزو ویژگی های مفهوم بالاتر باشد.

از طرفی دیگر زمان لازم برای ایجاد ارتباط میان یک مفهوم و یک ویژگی، یا افزایش فاصله سلسله مراتبی این دو بیشتر می شود. به این معنا که در پاسخ به ویژگی های کلی تر (مفاهیم رده بالاتر) سریع تر از ویژگی های رده پائین تر جواب خواهند داد.

از آنجا که مفاهیم دارای سلسله مراتب می باشند، یک چیز را در سطوح مختلف می توان شناسایی کرد. البته در هر سلسله مراتبی یکی از سطوح، مبنا یا ارجح برای دسته بندی است. یعنی هر چیز نخست در این سطح دسته بندی می شود. سطح مبنا سطحی است که مشخص کننده ترین ویژگی ها را برای مفهوم دارد.

مفاهیم دارای یک محتوی (Intension) و یک محدوده کاربرد (Exetnsion) می باشند. «محدوده کاربرد» یک مفهوم، وابستگی آن مفهوم را به گروه بزرگتر نشان می دهد. در صورتی که محتوای مفهوم، دربارۀ ویژگی ها و خاصیت های مشترک در خود مفهوم صحبت می کند.

یک واژه ممکن است در سلسله مراتب واژه های فراگیرنده و مورد شمول، چندین جایگاه را اشغال کند. ولی این امر در شرایطی امکان پذیر است که واژه مذکور از چند معنی متفاوت برخوردار باشد. بدین ترتیب ممکن است این واژه در یکی